

# خبرنامه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دوره جدید، سال هشتم، شماره شصت و هشت، خرداد و تیر ۱۳۹۹



## اختتامیه همایش ابعاد انسانی - اجتماعی کرونا در ایران

### همایش مجازی ابعاد انسانی - اجتماعی مسئله کرونا در ایران

دکتر داوری اردکانی: تغییرات پسا کرونا موقت خواهد بود و جهان در سراسمی قرار دارد  
دکتر حریریچی: اصحاب علوم انسانی باید در مورد موضوعات مهم «کرونا» وارد عمل شوند  
دکتر قبادی: رشته‌های علوم انسانی، پستوانه‌ی عظیم استمرار سلامت و بهداشت روانی جامعه هستند  
علامه طباطبائی و علوم انسانی در ایران: گذشته، حال و آینده  
برگزاری جلسه‌ی هیأت امنای پژوهشگاه  
پیشنهاد مدیرکل دفتر ارتباط با صنعت و وزارت علوم مبنی بر برگزاری میز تخصصی ارتباط علوم انسانی با جامعه و صنعت  
سخنرانی وزیر علوم در مراسم تکریم و معارفه‌ی معاون پژوهش و فناوری  
نشست مشترک مسئولان پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری با مسئولان و دست‌اندرکاران پژوهشگاه دفاع مقدس  
نخستین کنفرانس بین‌المللی مطالعات قرآنی  
ششمین هم‌اندیشی جایگاه مطالعات قرآنی در اعتلای علوم انسانی  
اولین همایش روش‌شناسی علوم انسانی  
مصاحبه با دکتر الهام ابراهیمی، مدیریت نوآوری و کاربردی‌سازی پژوهش‌های علوم انسانی  
بازدید اعضای هیأت رئیسه‌ی پژوهشگاه از پژوهشکده‌ی مطالعات استراتژیک خاورمیانه

#### سخنرانی‌ها و نشست‌ها

بازتاب کرونا در نغمه‌ها و ترانه‌های آسیا

کرونا، سبک زندگی و زنانگی

انسان در نقاشی عصر صفوی

مسئله‌یابی و موضوع‌شناسی در تاریخ فرهنگی

## انتصاب دکتر رحیمی شعرفاف به عنوان «معاون پژوهش و فناوری» وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

دکتر غلامحسین رحیمی شعرفاف با حکم وزیر علوم، تحقیقات و فناوری به‌عنوان «معاون پژوهش و فناوری» منصوب شد. دکتر منصور غلامی، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری در جلسه‌ای که جهت تکریم دکتر مسعود برومند و معارفه‌ی دکتر غلامحسین رحیمی، معاون پژوهش و فناوری این وزارت برگزار شد، ضمن قدردانی از زحمات و خدمات ماندگار دکتر برومند، اخلاص و تخصص و تجربه‌ی دکتر رحیمی را گنجینه‌ای ارزشمند خواند و با اشاره به ظرفیت‌های گسترده‌ی جامعه‌ی علمی و آموزش عالی برای همکاری با بخش‌های مختلف اجرایی کشور، تأکید کرد: نهادها و سازمان‌ها باید به استفاده‌ی بهینه از ظرفیت‌های گران‌سنگ آموزش عالی توجه بیشتری داشته باشند و بیش‌ازپیش از این توانمندی‌ها در جهت توسعه و پیشرفت کشور بهره‌برداری کنند.

در این آئین که روز سه‌شنبه، سوم تیرماه ۱۳۹۹، با حضور معاونان، مشاوران و مدیران کل این وزارت و برخی از رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و پارک‌های علم و فناوری در سالن شهدای جهاد علمی وزارت علوم برگزار شد، دکتر غلامی با بیان این‌که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آموزش عالی کشور از یک پیوستگی مناسب در راستای انجام وظایف خود برخوردار بوده است، اظهار داشت: در این راستا آموزش عالی در تربیت کارشناس، وظیفه‌ی خود را به نحو احسن انجام داده و در حال حاضر، تمام مدیران و کارشناسان کشور از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های کشور محسوب می‌شوند.

وزیر علوم درخصوص پیشرفت در امور پژوهشی گفت: به دست آمدن دستاوردهای عظیم در زمینه‌ی پژوهش و اخذ رتبه‌های مناسب پژوهشی در سطح جهان نیز حاصل دستاوردهای دانشگاه‌هاست و این‌که در این شرایط تحریم توانسته‌ایم روی پای خود بایستیم نیز ناشی از عملکرد دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی کشور است.

وی با بیان این‌که سه سال گذشته دوره‌ی موفقی برای آموزش عالی بوده است، افزود: به یاری خداوند، در آینده نیز این مسیر و سیر حرکت باید بدون تأخیر پیش برود. غلامی با تأکید بر لزوم آشنایی بیشتر نهادهای حمایت‌کننده با دستاوردهای آموزش عالی کشور، گفت: در دو سال گذشته گزارش‌های مستند دوره‌ای برای مسئولان رده بالای کشور ارسال شده تا دستاوردهای علمی کشور بیشتر معرفی شوند و مسئولان بدانند که انتظاراتی که از وزارت علوم و مجموعه علمی کشور دارند، به بهترین نحو انجام می‌شود.

وزیر علوم با بیان این‌که در مجموعه‌ی آموزش عالی کشور افراد توانمند علمی و اجرایی فراوانی فعالیت می‌کنند، افزود: افراد علمی و دانشگاهی اگر احساس وظیفه نمی‌کردند به بخش اجرایی نمی‌آمدند و چه بسا در همان بخش علمی موفق‌تر هم بودند ولی کار در بخش اجرایی یک توفیق الهی است و مدیران ما در کنار انجام آن، به کارهای علمی‌شان نیز می‌پردازند. غلامی در بخش پایانی این آئین با تشکر از مسعود برومند، معاون سابق پژوهش و فناوری وزارت علوم در طول تصدی این مسئولیت، حکم غلامحسین رحیمی شعرفاف، معاون جدید پژوهش و فناوری این وزارت و حکم انتصاب برومند در جایگاه مشاور وزیر را به آنها اعطا کرد.

دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی نیز در این مراسم ضمن تشکر از زحمات، حمایت‌ها و توجه دکتر برومند به علوم انسانی، برای دکتر رحیمی در سمت جدیدش آرزوی توفیق کرد.



# همایش مجازی ابعاد انسانی - اجتماعی مسئله‌ی کرونا در ایران

همایش مجازی چهار روزه‌ی ابعاد انسانی - اجتماعی مسئله‌ی کرونا در ایران از روز شنبه ۱۰ لغایت ۱۳ خرداد ۱۳۹۹، به همت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و به کوشش پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری این پژوهشگاه برگزار شد.

پیش از این، از اواخر فروردین سال جاری ۱۲ پیش‌نشست در موضوعات مختلف کرونا برگزار شده بود. از ویژگی‌های اصلی این همایش جامعیت حوزه‌های بررسی و موضوعات آن بود که عبارت‌اند از: آموزش و پرورش، فلسفه‌ی تعلیم و تربیت، اخلاق پزشکی، فلسفه، زبان‌شناسی، هنر و ادبیات، حقوق، علوم سیاسی، آموزش عالی، جامعه‌شناسی، زبان‌شناسی، اقتصاد، فرهنگ و ارتباطات و مطالعات اجتماعی زنان که سخنرانان در مدت چهار روز این موضوعات را طی ۶۲ سخنرانی در ۲۹ پنل ارائه کردند.

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، وزارت آموزش و پرورش و سازمان بهداشت جهانی در برگزاری این همایش یاری‌رسان بودند و علاوه‌بر پژوهشکده‌های مختلف پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی اعضای هیأت‌علمی ۳۹ دانشگاه و انجمن علمی از جمله دانشگاه تهران، شهید بهشتی، خوارزمی، علوم پزشکی تهران، امام صادق (ع)، دانشگاه شیراز، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشگاه لرستان، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، دانشگاه بین‌المللی قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه اهواز، دانشگاه اصفهان، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش و برخی دانشگاه‌ها

و پژوهشگاه‌های دیگر با سخنرانی و ارسال چکیده و مقاله کامل در این همایش شرکت کردند.

دکتر احمد پاکتچی، دبیر علمی همایش و دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در پایان سخنرانی‌های این همایش فراتحلیلی از مباحث آن ارائه کردند. چکیده‌ها و مقالات این همایش به زودی منتشر خواهد شد و فایل صوتی سخنرانی‌ها بر روی سایت پژوهشگاه قرار خواهد گرفت.

میهمان اختتامیه این همایش، دکتر ایرج حریرچی، معاون کل محترم وزارت بهداشت بود که بر نیاز سیستم بهداشت و درمان کشور به پژوهش‌های علوم انسانی درباره کرونا ذیل ۸ عنوان تأکید کرد و انجام آنها را ضروری دانست. همچنین دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی نیز در مراسم اختتامیه سخنرانی خود با موضوع، بیم‌ها و امیدها در فضای کرونا ایراد کرد که در ادامه گزارشی از این همایش مجازی در اختیار علاقمندان به علوم انسانی و دانشجویان قرار می‌گیرد.

خرداد ۱۳۹۹

دکتر داوری اردکانی در همایش مجازی ابعاد انسانی - اجتماعی مسئله‌ی کرونا در ایران:

## تغییرات پسا کرونا موقت خواهد بود و جهان در سرایشی قرار دارد

روز سه‌شنبه ۱۳ خرداد ۱۳۹۹، دکتر رضا داوری اردکانی استاد فلسفه و عضو پیوسته‌ی فرهنگستان علوم ایران در همایش مجازی ابعاد انسانی - اجتماعی مسئله‌ی کرونا، سخنان ارزنده‌ای را با موضوع «تأملات فلسفی درباره‌ی کرونا؛ نگاهی فلسفی به آثار و آفات کرونا» ارائه کرد که در ادامه سخنان این استاد گرانقدر از نظر تان می‌گذرد:

دکتر داوری اردکانی در شروع سخنانش گفت: کرونا تاکنون منشاء آسیب‌ها و آثار زیانباری در کشور ما و همه‌ی جهان بوده و چه بسا که آثار بیشترش نیز در آینده ظاهر شود این را هم گفته‌اند که کرونا آمده است تا سیر فروپاشی جهان را سرعت بخشد هر چند کسانی انتظار دارند پس از کرونا تعدیل‌هایی بر نظام‌های سیاسی کشورها در جهت صلاح عمومی صورت گیرد آنچه که تاکنون روی داده است آفت‌هایی مثل افزایش تعداد بیکاران و گرسنگان و ایجاد پریشانی در اقتصاد تولید و نوعی بلا تکلیفی در اقتصاد بین‌الملل و تعطیلی رسوم دینی



و در خانه‌نشینی مردمی است که تنهایی را به آسانی تاب نمی‌آورند. البته صحنه‌های زیبای گروه‌های مردمی و فداکاری پزشکان و پرستاران را نیز نباید از نظر دور داشت. در مورد تحولات سیاسی و اجتماعی بیشتر احتمال‌ها این است که هنوز نمی‌دانیم پس از کرونا چه بر سر این جهان چه خواهد آمد؟ باید بعضی تغییرها به خصوص در کشورهای توسعه‌یافته پیرو اصل دموکراسی روی دهد تا بسیاری از سیاست‌های نئولیبرال قدری تعدیل شوند یا لاقبل هیاهوی عصر نئوربیرالسم قدری فروکش کند و متأسفانه نمی‌شود که کرونا به این تغییرها رضایت دهد و اکتفا کند، چون احتمال دارد نظم جهان را نشانه گرفته باشد.

از میان صاحب‌نظران نامدارانی مثل هابرماس و مثل چامسکی که علایق اخلاقی دارند، امیدوارند کرونا بی‌پناهی مردم کشورهای توسعه‌یافته‌ی اروپا و آمریکا و صوری بودن دموکراسی‌ها و ناتوانایی دولت‌ها را در مقابل آفات و بلاها آشکارتر سازد. آنها در مورد آینده خوش‌بین هستند و این امکان را از نظر دور نمی‌دارند که نواقص و ضعف‌های کنونی تدارک شود و جهان به سمت دموکراسی مطلوب برود چنان که اشاره شد احتمال دارد که تمنای آنان تا حدودی برآورده شود اما هر تغییری که روی دهد، موقت خواهد بود زیرا جهانی که در سرایشی نیست‌انگاری قرار دارد، مشکل بتواند به سمت صلاح و اصلاح برود.

وی افزود: نکته‌ای که از نظر پنهان می‌ماند یا ما نمی‌خواهیم آنها را بپذیریم این است که، چرخ زمان هرگز به خواست اشخاص و گروه‌ها نمی‌گشته و نمی‌گردد. در زمان کنونی نیز سیرش در جهت بسط تکنیک است و هر



چه این بحث اقتضاء کند محقق می‌شود تا شاید به نقطه‌ی انفجار برسد. در زمان ما قدرت به علم‌تکنیک تعلق دارد و حکومت‌ها برخلاف آنچه که در ظاهر دیده می‌شود، نه نمایندگان مردم بلکه نمایندگان قدرت تکنیک‌اند و البته راه‌های خشونت را خوب می‌شناسند. گاهی می‌توان اندیشید که شاید رویکرد نئولیبرالیسم در جهت کم‌شدن قدرت حکومت‌ها یا توجیهی برای آن باشد. اعتبار قدرت سیاست‌مدارانی مثل تاچر و ریگان بیشتر در توانایی عزم‌شان برای کوچک‌تر کردن حکومت و کاستن از قدرت آن بوده است ولی نئولیبرالیسم یک امر طبیعی یا شبیه طبیعت نیست که به حال خود واگذاشته شود تا به تعادل برسد. نظام کنونی جهان ضدطبیعت است در آزمایش کرونا ظاهری بودن قدرت حکومت در هجوم اپیدمی آشکار شد. با توجه به این نکات بعید نیست که در بعضی کشورها حکومت به سمت سوسیال‌دموکراسی میل کند و از آنجا که دموکراسی وجود ندارد، حکومت رادیکال‌تر شود ولی حوادثی را که اشاره شد، تغییر در نظم جهان نیست زیرا نظم جهان تابع قوانینی است که حوادث و بلایا نمی‌توانند تغییر مستقیمی در آن ایجاد کنند، اما آیا کرونا یک هشدار یا اعلام خطر نیست؟! شاید تاکنون هیچ‌یک از بلاهای نوظهور در تغییر زندگی و سیاست و فرهنگ اثر مستقیم نداشته است در مورد قوم مغول نکات زیادی شنیدیم اما کسی تأیید نکرده است این حادثه‌ی هولناک در تفکر و شیوه‌ی زندگی مردم ایران چه تغییری پدید آورده است. در جهان جدید یکی از بزرگ‌ترین و پرتلفات‌ترین اپیدمی‌ها، آنفلوآنزای اسپانیایی بود. این اپیدمی که در جنگ جهانی اول حدود دو سال همه‌ی جهان را مبتلا کرد اگر اثری هم داشت، نمی‌توان آن اثر را از آثار جنگ تمیز داد و تفکیک کرد. انقلاب اکتبر کمی قبل از آمدن آنفلوآنزا روی داده بود پیدایش و قدرت یافتن فاشیسم و نازیسم در ایتالیا و آلمان هم بیشتر به جنگ و شکست از آن بازمی‌گردد و ظاهراً هیچ مورخی هم بر اثر آن در حوادث سیاسی اشاره‌ای نکرده‌اند. وانگهی گمان غالب این است که اکثر تغییرها با عزم و تدبیر سیاست‌مداران و اثرهت مردم صورت می‌گیرد. آیا بیماری و بلا همت و تدبیر را با خود می‌آورد و به‌جا می‌گذارد؟! در مورد این‌که ذکر کردیم، اگر بیماری را دخیل بدانیم، اثر منفی و معکوس داشته است، گاهی معلمان دین و اخلاق مردم را تسلی می‌دهند که شر مطلق وجود ندارد و در هر شری، حکمت و خیری هست! باین حال چشم امید به بلا و مصیبت داشتن هیچ وجهی ندارد مگر آن‌که بگوییم، دل مردم مبتلا شود امکان تابیدن نور ایمان در آن بیشتر است این را هم باید آزمایش کرد.

داوری ادامه داد: نمی‌دانیم چرا همه یا بیشتر مردم به تأثیر مستقیم کرونا توجه دارند و کسی این بلا را (که به همه‌ی اپیدمی‌ها و پاندمی‌های گذشته، تفاوت‌ها دارد و هم‌اکنون لرزشی در نظام جهان ایجاد کرده است) نشانه‌ی یک خطر بزرگ و برهم‌خوردن نظام جهان نمی‌داند؟!

وقتی یک نظم ویران می‌شود یا باید نظم دیگری جای آن را بگیرد یا آشوب حاکم می‌شود. نظم جهان‌آینده بر چه اساسی بنا خواهد شد؟ مسئله‌ی بزرگ این است که تاریخ متأسفانه به حسن نیت و خیرخواهی خوبان فرقی نمی‌گذارد و درخواست و آرزوی آنان را برنمی‌آورد یعنی تاریخ راه خود را می‌رود و مردم را با خود همراه می‌سازد چنان‌که همه می‌پندارند که سیر امور بر وفق رأی و نظر آنهاست و یاد می‌گیرند که این سیر را کند یا تند کنند اما مسیر را نمی‌توانند تغییر دهند. پس می‌پرسیم تکلیف آزادی چه می‌شود؟

این‌جا اختیار دو صورت دارد: یکی، اختیار اشخاص در امور جزئی و زندگی شخصی و ایجاد تغییرات عارضی است که بدیهی به‌نظر می‌رسد. دیگری، اختیار در تغییر مسیر تاریخ است اما اشخاص اختیار ندارند که تاریخ را به هر سویی که خواستند، ببرند! بلکه تغییر تاریخ در تفکر ظاهر می‌شود و با دگرگون شدن تفکر و پدید آمدن اصول تازه و پذیرفتن آن از طرف مردم نظم خواستن تحقق می‌یابد. وقتی نظم به وجود آمد گرچه با اختیار به وجود آمده است اما، این نظم دیگر با رأی و هوس و نظر اشخاص تغییر نمی‌کند. حوادث بزرگ و بلایا ممکن است، جان درمندان و مستعدان نظر و تفکر را متوجه خطر کند و به گفت آنان، صورتی خاص بدهند. در یک‌صد سال اخیر جنگ‌ها و بلایا در نظر، ادب و تفکر اروپایی تفاوت آشکار داشته است تا آنجا که چشم‌انداز پیشرفت پدید آمده در قرن ۱۷ به تدریج پوشیده و پوشیده‌تر شده است و بالاخره در اندیشه‌ی پست‌مدرن امید به آینده‌ی نظم کنونی جهان، دیگر جایی ندارد گویی در این جهان معنای زندگی گم شده است و مردمان با سودای گذران عمر در فضای مجازی دل‌خوش‌اند و احیاناً آن‌را نشان کمال آدمی می‌دانند. با این‌که شعر، ادب و فلسفه‌ی معاصر ابتلای ما را به این توهم بزرگ و خطرناک گوشزد می‌کند، کمتر به آن پرداخته می‌شود یا با آنها تفنن می‌کنند. تفنن با فلسفه‌ی پست‌مدرن با ادبیات برملاکننده‌ی «بی‌معنی‌شدن زندگی» نشانه‌ی بدی است. وجود این ادبیات فلسفه امری اتفاقی و بیان نظر و سلیقه‌ی اشخاص نیست. این‌ها افشاگری چیزی است که در «زمان» وجود دارد ولی شاید ابتلائات و بلایا هم بیهودگی غرور همه‌توانی بشر را اندکی بیشتر آشکار کند و ناتوانی او را پیش چشم ما آورد و از این‌راه در تفکر آینده اثر بگذارد.

دکتر داوری تأکید کرد: زمانه‌ی ما زمانه‌ی کمتر عسرت بیشتر دانستن و کمتر اندیشیدن است. در این زمان علم



به اطلاعات تبدیل شده و اطلاعات جهان را پر کرده است و کار جهان با این اطلاعات به صورت کالا در آمده و قابل خرید و فروش، می‌گردد. مردمان هم با آن خو گرفته‌اند و خو می‌گیرند و نمی‌پرسند چرا زمانه چنین شده است و آدمی به کجا می‌رود؟ وقتی گفته شود که زمان، زمان فکر کردن نیست؛ تفکر به معنی متداول مراعات نشده است. زیرا تفکر به معنی حساببری و مصلحت‌بینی، جریزه داشتن و حتی پژوهش و جستجوی دلایل وجود دارد و بیش از همیشه نیز در کار است. علم، تکنیک و دولت الکترونیک هم هستند اما کسی نمی‌پرسد این جهان چیست و سرانجامش چه می‌شود و کمتر به این می‌اندیشند که وقتی همه‌ی نیروهای طبیعت که شیرهای آن را کشیده‌اند چه بر سر آدمی می‌آید و آنها در برهوت خاک و افلاک و اخلاق چه خواهند کرد؟ غفلت از آغاز و انجام و به‌سر بردن در «اکنون تهی» امری عادی است و در نظر کسانی به عین کمال تلقی می‌شود آن‌چه در این مقام مورد نظر است این‌که، وقتی علم به کالای مصرفی تبدیل می‌شود اختیارات دیگر در دست دانشمندان و دانشگاه‌ها نیست و معلوم نیست که تا چه اندازه در جهت تأمین صلاح بشر قرار دارد. اکنون بزرگ‌ترین کارگردان‌های بازار علم، قدرت‌های نظامی و شرکت‌های چندملیتی هستند که رقم بزرگ بودجه‌ی پژوهش را آنها تأمین می‌کنند و پژوهش را به راه و سمتی که مسائل و منافع آنها را تأمین کند، می‌برد. چون علم قدرت است، کشورها و ملت‌ها در رقابت باهم به کار علم وارد شده‌اند. گویی بازار مقاله‌نویسی هم به این بازار بازمی‌گردد. نه این‌که این مسابقه را دانشمندان و دانشگاه‌ها برای توسعه و پیشرفت علم طراحی کرده باشند! نمی‌گویم که علم از دست دانشمندان خارج شده و در دست اختیار قدرت‌های سوداگری قرار گرفته است. پژوهش کار دانشمندان است اما به این هم باید اندیشید که مسائل علم از کجا می‌آید و چگونه طرح می‌شود و پژوهشی که در بازار دادوستد می‌شود چه مصارفی می‌تواند داشته باشد؟

وی در ادامه درباره‌ی موضع شرکت‌های بزرگ دارویی در مقابل کرونا، گفت: از آنها هر چه بکنند نباید توقع داشت که در باب منشاء بیماری‌های همه‌گیر تحقیق کنند این کار، کار محققان و دانشمندان است از جمله‌ی مسائل مهم در ماجرای کووید ۱۹ منشاء این بیماریست اگر منشاء و آغاز را بدانیم پایان را بهتر می‌توانیم حدس بزنیم. یک فرض این است که این ویروس در طبیعت موجود است و از طبیعت برآمده و بر جان مردم افتاده است این فرضیه را مشکل می‌توان پذیرفت زیرا اگر چنین بود می‌بایست تاکنون کشف و مشخص شده باشد که از کجا و چگونه آمده است؟ ثانیاً، اگر در طبیعت موجود بود، چرا مردم زمان‌های گذشته به آن مبتلا نشده بودند؟ و بالاخره ثالثاً، امر طبیعی به شرایط خاص طبیعی وابسته است. ویروسی که ناگهان پیدا می‌شود و ناگهان در طی دو، سه ماه به همه‌جا می‌رود و همه‌گیر می‌شود، چگونه طبیعی باشد؟! احتمال بیشتر این است که آن را در آزمایشگاه تولید کرده یا در آن‌جا بر اثر تصادف پدید آمده باشد. این‌که آیا طراحی در پیدایش آن دخیل بوده است، یا نه؟ اگرچه امر بی‌اهمیتی نیست اما، در اصل قضیه تغییری ایجاد نمی‌کند زیرا مهم این است که بدانیم آیا ویروس مسئول تکنولوژیست یا از زمان‌های گذشته در طبیعت وجود داشته و به کسی آزاری نمی‌رسانده و در این اواخر ناگهان طبیعت مودیش آشکار شده است! این قضیه از آن جهت اهمیت دارد که اگر ویروس طبیعی باشد، شاید راه علاجی برای آن پیدا شود. زیرا تکنیک جدید چهارصد سال است در طبیعت کوشیده و توانایی‌اش را نشان داده است و هنوز هم از عهده‌ی کارهای مهم برمی‌آید اما اگر زاده و ساخته‌ی خودش باشد، از عهده دفع‌اش بر نمی‌آید و حداکثر واکسن می‌سازد. مگر تکنیک توانسته است لطمات و آسیب‌هایی را که به طبیعت و جان انسان‌ها زده را جبران کند؟ شکاف لایه ازون اگر خطرناک‌تر نشود، ترمیم نمی‌شود.

اردکانی ادامه داد: آب‌های زیرزمینی دیگر به‌جای خود بر نمی‌گردند، هوای شهرها پاک نمی‌شود و ... متأسفانه جهانی که «فکر» نمی‌کند و گاهی حتی خطر نزدیک به پیدا را نمی‌بیند و به جای اندیشیدن به خطر، شکوه و شکایت می‌کند و همچنان می‌گوید، بگذار علم به تکنولوژی پیش برود بر سر جهان و آدمی هرچه می‌خواهد، بیاید. البته به عصر قبل از تکنولوژی نمی‌توان بازگشت اما باید اندیشید که تکنیک ما را کجا می‌برد و آیا می‌تواند شر بلایی مثل کرونا را از سر آدمی رفع کند؟ اگر کرونا برآمده از آزمایشگاه باشد، چنان که گفته شد، حداکثر کاری که علم و تکنولوژی می‌تواند در مقابل آن انجام دهد، ساختن واکسن است و این یعنی باید نگران کوید ۲۰ و کویدهای دیگر باشیم و معلوم نیست که مردم جهان تا چه اندازه و تا کجا تاب تحمل این اختلال‌ها را خواهند داشت؟ آن‌چه اکنون می‌بینیم این است که همه‌ی آن‌چه گروه‌های مردم و قدرتمندان جهان (به استثنای برخی کشورها) دوست داشتند، تعطیل شده است و بعید به‌نظر می‌رسد بعد از کرونا هم به‌صورت قبل برگردد. شاید نظم علم و پژوهش دانشگاه هم به صورتی که هست، باقی نماند! مثلاً با شروع کووید ۱۹ وظیفه‌ای را که پزشکی از ۲۰۰ سال پیش برعهده گرفته، سنگین‌تر شده است. اکنون پزشکی علاوه‌بر تعیین مدل سلامت و زندگی بهداشتی باید در برابر هجوم بیماری‌های ناشناس هم آماده باشد. درست است که سیاست از علم جدا نیست اما پزشکی فرق دارد و به تدریج شریک در نظم‌بخشی به جامعه شده است بی‌آن‌که سخن سیاسی بگوید و تصمیم



سیاسی بگیرد و به اقدام سیاسی دست بزند. نظم پزشکی که از مدت‌ها پیش جزیی از نظم اجتماعی شده بود، حالا سهم بیشتری در این نظم پیدا کرده است. آیا این تغییرات اثر کلی بر آینده‌ی جهان خواهد داشت؟ از فتنه‌هایی که دامان آخرت‌مان را گرفته است و می‌گیرد، باید به خدا پناه برد. این فتنه‌ها اگرچه غیرمنتظره نیستند، (زیرا اکنون در جهان ما هیچ چیز غیرمنتظره نیست) ناشناخته‌اند. کرونا هم یکی از آنهاست که ناشناخته آمد و شاید ناشناخته نیز برود! کووید ۱۹ اگر برود بعید است به این سرعت برگردد اما باید منتظر کووید ۲۰ بود و چه بسا که این تسلسل ادامه خواهد یافت.

استاد داوری در بخش پایانی سخنانش توضیح داد: گاهی فکر می‌کنم در جهانی که هوا دلگیر، درها بسته، سرها در گریبان، دست‌ها پنهان، نفس‌ها ابر، دل‌ها خسته و درختان اسکلت‌های بلورآجین، زمین دل‌مرده، سقف آسمان کوتاه، مهر و ماه غبارآلوده است، اگر کرونا بلاهای ارضی، سماوی و بشری پی در پی هم بیایند و فقر، بیکاری و افسردگی افزایش یابد، زندگی روزبه‌روز انضباطی‌تر بشود، چه جهان زیبا و خواستنی خواهیم داشت! در این جهان باید از کرونا بترسیم و برای حفظ جانمان و بقاء هرکاری می‌توانیم بکنیم و به این جهت اکنون باید در فکر تحقق دو شعار باشیم؛ «در خانه بمانیم و کرونا را شکست می‌دهیم» من هم امیدوارم با کوشش دانشمندان، پزشکان و پرستاران و همت مردم، کرونا شکست بخورد ولی غافل نباید بود که پس از کرونا همه چیز به شرایط قبل باز نمی‌گردد. هر گروه اگر گمان کند که کرونا بیرق او را بالا برده است گمان بدی دارد. بدبین و ناامید نباید بود، جهان حتی جهان پس از کرونا نیز یکسره بدی و زشتی نیست اما مطلقاً زیادیدن آن، به گفتن «ما رایت الا جمیلاً» را باید به عارفان بالله واگذاشت و کوشید زشتی‌ها و زیبایی‌ها را باهم دید در این صورت خوش‌بینی ساده‌لوحانه و بدبینی آدم‌های ازخودراضی و پرتوقع کم‌تر می‌شود. امروز که چرخ بر مدار عصر تنازع بقاء می‌گردد طبیعی است که همه می‌خواهند کرونا را شکست بدهند ولی ما نیاز به شکست دادن کرونا نداریم! کرونا هم شکست نمی‌خورد مهم این است که جهان از شر آن خلاص شود. اتفاقاً جهه‌ای که پزشکان، پرستاران، پژوهندگان، مددکاران مردمی در آن می‌کوشند و جهاد می‌کنند، جبهه مهر و دوستی توأم با شجاعت است از یاد نبریم که گروه‌هایی از اهل جنگ و جدال هم غایت کار خود را رسیدن به شهر یاران مهربان می‌دانند و نگرانند یا باید نگران باشند که مهربانی کی به سرآمده و شهر یاران را چه شده است؟ تا زمانی که شهر، شهر، کینه و دشمنی است، کرونا و کروناها خواهند بود شعار «در خانه بمانید» هم یک ضرورت است ولی از آفات این امر ضروری نباید غافل ماند خانه‌نشینان امروز وقت فردا از خانه بیرون می‌آیند، شاید کوچه و بازار در نظرشان تازگی یا رنگ و روی دیگر داشته باشد. خیابان و کوچه کم‌ویش همان است که بوده اما عابر تماشاگرش تغییر کرده. بسیاری از آنها آزرده تنهایی‌اند مردم همه نمی‌توانند تنهایی را تحمل کنند زیرا اقتضای تبع‌شان باهم‌بودن است. مردم نیاز ذاتی به باهم‌بودن و تعلق‌داشتن به جهان خاص دارند این‌که آثار بزرگ در خلوت خلق می‌شود منافاتی با نسبت داشتن با دیگران و جهان ندارد. خلوت و تنهایی متفکران و شاعران با دعوت تفکر و شعر هنر حاصل می‌شود و در حقیقت خلوت با دوست است، نتیجه‌اش هم تحکیم نسبت با زمان یا پدید آمدن نسبتی دیگر است. نباید خلوت با دوست را با جدا شدن مردم از یکدیگر و تنهایی اضطراری تحمیلی اشتباه کرد و این تنهایی را مردمی که گرفتاری‌های شغلی دارند و به سرگرمی‌های جمعی نیازمندند، تاب و شاید روح‌شان در این تنهایی آسیب ببیند و پریشان‌شان کند. برای این پریشانی هم باید فکری کرد آیا کسانی که در خانه نماندند در بازی جایی نداشتند؟ آنهایی که در خانه نماندند سه‌گروهند؛ اول، کسانی که ناگزیر به حکم وظیفه یا برای به دست‌آوردن لقمه‌ای نان نمیتوانستند در خانه بمانند یا خانه‌ای نداشتند که در آن بمانند. گروه دوم، کسانی که طرح در خانه ماندن را طرحی سیاسی برای آسیب‌زدن به دین و دین‌داری و فرهنگ تلقی می‌کنند این گروه خطر آیدمی را چندان بزرگ نمی‌بینند که از بیم آن کارها، مراسم، رفت و آمدها، مسجدها و حرما را تعطیل کنند و بالاخره گروه سوم که چندان بنده نظم و قانون نیستند. این گروه در بازی عالم جای مهمی ندارند اما هنگام بحران و برهم خوردن نظم وارد بازی و آتش‌بیار معرکه می‌شوند اما گروه‌های دیگر مردم حتی اگر بنیاد نظم غالب در جهان‌را رویه‌سستی بدانند، تا زمانی که به اجمال مشخص نباشد، در پی برهم خوردن این نظم چه پیش خواهد آمد و چه اصولی حاکم خواهد شد، از آشوب استقبال نمی‌کنند. مخالفت با نظم کنونی جهان برای همراهی با کرونا نمی‌تواند توجیهی در برهم زدن نظم داشته باشد، زیرا آسیبی که با راه‌یافتن خلل و اختلال در نظام کارها پدید می‌آید بیشتر به گرسنگان، بی‌کاران و ناتوانان می‌رسد. کرونا هم با این‌که فقیر و غنی نمی‌شناسد آسان‌تر می‌تواند به جمع پریشان‌محرومان راه یابد.



## اصحاب علوم انسانی باید در مورد موضوعات مهم «کرونا» وارد عمل شوند

در روز سه‌شنبه، ۱۳ خردادماه ۱۳۹۹ دکتر ایرج حریرچی، معاون کل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دبیر ستاد مبارزه با کرونا و ویروس، در مراسم ویژه‌ی اختتامیه‌ی همایش ابعاد انسانی - اجتماعی کرونا در ایران که ایراد کردند برگزار شد وی در آغاز سخنان خود گفت: بیماری کوید ۱۹ یکی از پیچیده‌ترین و گسترده‌ترین مشکلات بهداشتی و درمانی و بلکه اجتماعی در دوره‌ی معاصر است که در چند صد سال اخیر، بشر با آن مواجه شده است و فشار مضاعفی بر منابع و ظرفیت‌های از قبل محدود و دچار مشکل کل اجتماع و خصوصاً بخش بهداشت و درمان آورده است.



دکتر حریرچی در مورد پیش‌بینی وضعیت کشور در آینده گفت: خیلی شفاف عرض کنم اگر از ما پرسند چه زمانی همه‌گیری از بین می‌رود یا کی ویروس کرونا تحت کنترل در می‌آید، ساده‌ترین پاسخ این است که جواب بدهیم، «نمی‌دانیم». یک عدم قطعیتی برای آینده وجود دارد که این عدم قطعیت از دو جنبه است: یکی در مورد خود ویروس است، چون علم ما در مورد این ویروس خاص، قدمت نزدیک ۵ ماهه دارد و رفتارهای متفاوت و جدیدی که نشان می‌دهد و شدت بیماری‌زایی‌اش عدم قطعیتی برای ما به وجود می‌آورد. برای مثال بعضی از داروهای معروفی که مورد استفاده‌ی فراوانی در این بیماری قرار گرفته ما می‌گوییم استفاده نشود یا استفاده‌اش فایده‌چندانی ندارد. یا بعضی مسائل پیش‌پا افتاده که

در پروتکل‌های رسمی و بین‌المللی مطرح شده که به فرض، در محیط کار باید از دست‌کش استفاده شود، اما الان معلوم شده که نباید استفاده شود، بلکه مضر است یا این‌که، اوایل شیوع کرونا به استفاده از ماسک تأکید زیادی نمی‌شد، اما الان اکثر متخصصان سازمان بهداشت جهانی تأکید دارند که باید استفاده شود و تقریباً استفاده از ماسک نیز اجباری شده است.

وی افزود: زعدم قطعیت در مورد آینده هم از این ناشی می‌شود که ما نمی‌دانیم تأثیرات اجتماعی و اقتصادی آن چه شدتی خواهد داشت و یک چالش بزرگی برای سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران کشورها و متولیان دولت‌ها به وجود آمده که تصمیمات بسیار مهم و بسیار تأثیرگذاری باید اتخاذ کنند؛ آن هم بدون دسترسی به مستندات قابل اطمینان علمی و محکم و کم‌خدشه یا بی‌خدشه. بنابراین ما درباره‌ی آینده نیز با عدم قطعیت مواجهیم اما تقریباً پیش‌بینی‌ها این است که اگر ویروس تغییر ماهیت قابل توجهی ندهد که خیلی احتمال قابل توجهی نیست، این ویروس به مدت زیادی با ما خواهد بود و تأثیرات مهمی باقی خواهد گذاشت. حداقل برای کشف واکسن به صورتی که در دست عموم مردم قرار بگیرد، به یک زمان یک‌ساله احتیاج است شاید هم بیشتر. حریرچی تأکید کرد: الان در مورد آنفلوآنزا کل ظرفیت تولید واکسن در دنیا ۱۵۰ میلیون دوز در سال است که اگر افزایش پیدا کند، به ۲۵۰ میلیون عدد می‌رسد. برای این ویروس فقط در نیمکره‌ی شمالی به ۳ میلیارد دوز واکسن نیاز داریم و هزینه‌ی بسیاری می‌خواهد و این‌که برای افراد بی‌خطر باشد. اگر واکسن مناسب در دسترس قرار نگیرد، ما به‌ناچار به طرفی خواهیم رفت که در جوامع مختلف، ایمنی جمعی برقرار شود. ایمنی جمعی نه این‌که یک استراتژی یا انتخاب است. کشور سوئد این استراتژی را انتخاب کرد و به موفقیت نرسید و ایمنی جمعی در صورت کشف واکسن یک اجبار است به این معنی که به درصدی از ابتلا در جامعه برسیم که تعداد افراد مبتلایان جدید محدود به تعداد اندک سابقین و کسانی باشند که وارد اجتماع می‌شوند؛ همچنین مهاجرین و کسانی که به سن خاص می‌رسند. در آن صورت ما مدت بیشتری با ویروس درگیر خواهیم بود و در هر صورت ما با نیمکره‌ی شمالی و کشور خودمان این سه پیش‌بینی را به ترتیب داریم: پیش‌بینی اول که مراکز بین‌المللی هم روی آن اتفاق نظر دارند این‌که؛ در فصل پاییز و زمستان شدت بیشتری از این ویروس را در مقایسه با خرداد و اردیبهشت تجربه کرده و مجبور شویم دوباره تعطیلی‌هایی را اعمال کنیم اما نه به شدت اسفند و فروردین! پیش‌بینی دوم





این‌که؛ احتمال دارد که درگیری به‌شدتی باشد که از موج اول بالاتر برود و این همان تجربه‌ای است که در مورد آنفلونزای اسپانیایی اتفاق افتاد؛ بنابراین ممکن است مرگ‌ومیر بیشتر و اجبار به تعطیلی بیشتری داشته باشیم. پیش‌بینی سوم این‌که؛ افزایش ابتلایی نسبت به اکنون داشته باشیم ولی در حدی نباشد که مجبور به تعطیلی باشد و با روش‌های معمولی درمان و بهداشت بتوانیم اوضاع را کنترل کنیم.

مطمئن هستیم که ویروس کووید ۱۹ تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر اقتصاد و همچنین بر سلامت جامعه خواهد گذاشت. در چند ماه گذشته، در بعضی از کشورها تا ۱۵ درصد مرگ‌ومیرها و تا ۵۰ درصد بستری‌ها را این ویروس ایجاد کرده است. در حال حاضر ما روزانه نزدیک به هزار نفر مرگ‌ومیر داریم که در حدود ۷۰ تا ۸۰ مورد آن مربوط به همین ویروس است و در بعضی روزها تا ۱۵۸ مورد مرگ‌ومیر هم رسیده بودیم که ۱۵ درصد موارد مرگ‌ومیر را تشکیل می‌داد و سلامت مردم را به میزان قابل توجهی تحت تأثیر قرار داده بود. از لحاظ اقتصادی پیش‌بینی‌های رشد منفی اقتصادی بالای ده درصد برای بعضی کشورها پیش‌بینی می‌شود. برای کشور ما که تجربه‌ی رشد اقتصادی ۹,۵ درصدی و ۴,۵ درصدی منفی در ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ داشته است، با این اوضاع قطع‌بیین در ۲۰۲۰ نیز این رشد منفی ادامه خواهد داشت. مجموع کوچک شدن اقتصاد بیش از ۱۵ درصد در دو سال گذشته و چند درصد دیگر هم امسال به آن افزوده خواهد شد، تأثیر شگرفی است که بر خانوارها تأثیر بسیار منفی خواهد داشت ضمن این‌که در بخش‌های مختلف اقتصاد هم تأثیرات مختلف است برای مثال اقتصادهای مبتنی بر فناوری اطلاعات رونق یافته است اما در بخش‌هایی چون گردشگری که در آن رستوران‌ها و هتل‌ها حضور دارند و در کشور ما درصد قابل توجهی را در برخی استان‌ها تشکیل می‌دهند، آسیب قابل توجهی خواهند خورد.

از لحاظ اجتماعی هم تا اطلاع ثانوی باید سیاست‌های فاصله‌گذاری اجتماعی و تغییر سبک زندگی را داشته باشیم و در نتیجه، دید و بازدیدها و مسافرت‌ها و اجتماعات کم خواهد شد که همه‌ی این‌ها تأثیرات قابل توجهی به لحاظ روانی نظیر کم شدن ارتباطات مردم با یکدیگر و هم مشکلات روانی و اضطراب‌های ناشی از آن در پی خواهد داشت. یعنی مردم اقدامات متعددی انجام می‌دهند تا مبتلا نشوند و متعاقب آن به وسواسی در احتیاط می‌رسند، نظیر اقدامات متعدد بهداشتی و درمانی که بعضاً غیرلازم هستند؛ بطورمثال، افراد در شست‌وشو و محدودیت در تردها که در هر دوی این‌ها درجات آن در خانواده‌های مختلف متفاوت است و ممکن است افراد خانواده هر کدام حساسیت متفاوتی داشته باشند و این باعث اختلافاتی خواهد شد.

معاون کل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با تأکید بر نیاز سیستم بهداشت و درمان کشور به پژوهش‌های علوم انسانی درباره کرونا، تصریح کرد: ما موضوعات مهمی را در زمینه‌ی این بیماری داریم که از اهالی علوم انسانی می‌خواهیم وارد عمل شوند و ما را کمک کنند. یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها در حوزه‌ی سلامت، مسئله‌ی عدالت و دسترسی همه‌گانی به خدمات مورد نیاز است؛ برای مثال در بسیاری از خدمات اجتماعی سطح دسترسی به امکانات

متفاوت است؛ همان‌طور که سطح دسترسی افراد مختلف به مقولاتی نظیر مسکن، تفریح و غیره می‌تواند متفاوت باشد. در حوزه‌ی سلامت ما معتقدیم که هرکس به اندازه‌ی توانش حق بیمه پرداخت کند و به اندازه‌ی نیازش خدمات دریافت کند. افراد متمول از آنجایی که حق بیمه‌ی بیشتری پرداخت می‌کنند، باعث می‌شود تا نوعی عدالت در حوزه‌ی سلامت برقرار شود ولی به دلیل عدم قطعیتی که در این بیماری وجود دارد، افراد غنی و فقیر هرگاه مبتلا شوند، به اندازه‌ی نیازشان می‌توانند خدمات دریافت کنند و هیچ‌گونه



تبعیضی بین اقشار، جنسیت‌ها و نژادهای مختلف نباید وجود داشته باشد. در موضوع کووید ۱۹ در غرب افراد فقیر بیشتر به آن مبتلا می‌شوند و عاقبت این بیماری در میان فقرا و اقلیت‌های قومی در این کشورها بدتر است؛ برای مثال در آمریکا مرگ‌ومیر سیاه‌پوستان از کووید ۱۹ هفت برابر بیشتر از سفیدپوستان است یا در انگلیس میزان مرگ‌ومیر ناشی از این بیماری در قسمت شمال شرق و در میان رنگین‌پوستان بیشتر از سفیدپوستان انگلیسی است؛ بنابراین موضوع مهمی که باید مورد سنجش قرار گیرد، مسئله ارائه‌ی خدمات در دوران کرونا است. موضوع بعدی که بسیار مهم است تصمیمات مربوط به بیماری کووید ۱۹ که هم مربوط به تصمیمات در حوزه سلامت و هم تصمیمات در خصوص فاصله‌گذاری اجتماعی را شامل می‌شود که مواردی نظیر بسته‌شدن مشاغل و محدودیت‌های تردد را شامل می‌شود. حتماً باید در تصمیم‌گیری‌ها شفافیت، پاسخ‌گویی مناسب و مسئولیت‌پذیری وجود داشته باشد. در بعضی از کشورها این شفافیت و پاسخ‌گویی وجود ندارد و خوب است از دیدگاه علوم انسانی به این موضوع پرداخته شود و مورد تحلیل قرار گیرد.

دکتر حریرچی ادامه داد: یکی از موضوعات مهمی که در این تصمیم‌گیری‌ها باید لحاظ شود احترام به انسان‌ها بر مبنای کرامت انسانی و اصول حقوق بشر و اصول اسلامی است که از ضرورت‌های اصلی محسوب می‌شود. همچنین احترام به استقلال افراد به این معنی که افراد خود، مختار هستند و می‌توانند تصمیماتی را بگیرند، باید تصمیمات روشن و شفاف باشند و نمی‌توان حقوق فردی افراد را محدود کرد و بدون توجه به مصلحت و نفع عمومی جامعه عمل کرد؛ بنابراین علل تصمیم‌گیری‌ها باید به‌طور آشکار در اختیار مردم قرار بگیرد. بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها که در کشورهای مختلف اعمال شد، مشخص نبود که آیا بر مبنای کرامت انسانی و مصالح جمعی است یا خیر؟! برای نمونه کشورهای غربی زندگی می‌کنند و معمولاً نوع تصمیماتشان شبیه به هم است و در یک‌رده قرار می‌گیرند، برخلاف این‌که این بیماری تأثیرات مشابهی را در این کشورها داشت، شاهد تصمیمات و استراتژی‌های بسیار متفاوتی بودیم. برای مثال، استراتژی که آمریکا انتخاب کرد به این صورت بود که ابتدا موضوع را حتی در مجامع علمی نیز تکذیب کردند و باعث شد امروز به موارد بسیار بالایی از ابتلا مواجه شوند. همچنین کشور سوئد فقط بر مبنای ایمنی جمعی تصمیم‌گیری کرد یا کشور انگلیس نیز بر مبنای ایمنی جمعی عمل کرد و اقدامات محدودی انجام داد. در انگلستان سیستم بهداشتی بسیار مورد توجه مردم است که از کرونا شکست بسیار شدیدی خورد. اگر تا قبل از این از ما می‌پرسیدید که یکی از بهترین سیستم‌های درمانی را نام ببرید قطع‌یقین از سیستم درمانی انگلستان نام می‌بردیم اما در این مورد، شکست بدی خورد. ایتالیا و اسپانیا و فرانسه نیز هر کدام استراتژی‌های متفاوتی داشتند که اگر شفاف نباشد نمی‌تواند برای مردم قابل هضم باشد. یکی از موضوعات مهمی که باید در خصوص تأثیرات اجتماعی این قضیه بررسی کنیم این است که هر محدودیتی ایجاد می‌شود، دسترسی افراد به غذا، دارو و مسائل مهم دیگر را محدود می‌کند؛ ضمن اینکه با رشد اقتصادی منفی جوامع مختلف و بیکاری که حاصل می‌شود؛ بسیاری از محاسبات به هم می‌خورد؛ یعنی اقشار متوسط و متوسط رو به پایین دچار مشکل جدی می‌شوند.

دکتر حریرچی گفت: یکی از استراتژی‌های مهمی که باید در این زمینه اندیشیده شود و دولت‌ها ملزم به تفکر در این زمینه هستند آن است که، چه کمک‌هایی به افراد آسیب‌پذیر در این بیماری که گاهی تا دهک ۶ و ۷ را به لحاظ اجتماعی دربرمی‌گیرد، باید صورت پذیرد و چه استراتژی‌های مناسبی اندیشیده شود؟ برای نمونه ما در کشور خودمان حدود یک میلیون نفر راننده‌ی تاکسی اینترنتی داریم که درآمد روزانه‌شان بسته به میزان کاری است که انجام می‌دهند و یا ما در حدود ۲۸۲ هزار مرکز ورزشی داریم که در همه‌ی این‌ها افرادی مشغول به کار هستند که با ضریب خانوار چیزی در حدود یک میلیون نفر می‌شوند؛ بنابراین وقتی ما تصمیمی می‌گیریم؛ تأثیرات مهمی دارد که دولت‌ها باید به آن فکر کنند. بطورمثال؛ برای ما ثابت شده که کودکان به اندازه‌ی بزرگسالان مبتلا می‌شوند و به اندازه بزرگسالان انتقال بیماری می‌دهند ولی کم‌علامت یا بی‌علامت هستند؛ بنابراین ما ناچاریم در خصوص تعطیلی مهد کودک‌ها پافشاری کنیم که این خود اثرات وسیع اجتماعی دارد. برای نمونه ممکن است این کودکان که در سال گذشته وارد مدرسه می‌شوند مهد کودک و آمادگی را پشت سر نگذاشته باشند؛ همچنین خانم‌های شاغلی که فرزندان‌شان در مهد کودک هستند؛ دچار مشکل شده‌اند؛ برای نمونه در آمریکا با تعطیلی مدارس و مهد کودک‌ها خانواده‌ها در تأمین غذایی فرزندان‌شان دچار مشکل شده‌اند. تا قبل از این وعده‌های غذایی توسط دولت و مدارس تأمین می‌شد. ما در کشور خودمان اقشار آسیب‌پذیر اختصاصی هم داریم؛ برای مثال حاشیه‌نشین‌ها یا افراد بی‌سواد. افرادی از قومیت‌های خاصی هستند که در این زمینه باید برنامه‌ریزی جدی شود. در موضوع دیگری که از علوم انسانی باید کمک گرفته شود آن است که در کشور ما ابتلا به کرونا نوعی انگ اجتماعی محسوب می‌شود و به جای این‌که برای افراد مبتلا محدودیت‌هایی اعمال شود به دید انگ به آنها نگریسته می‌شود. بطورمثال، در مواردی که کادر درمانی برای سرکشی به خانه‌ی افراد مبتلا می‌روند مورد



اعتراض واقع می‌شوند که چرا با لباس مخصوص وارد می‌شوید و از این طریق مردم متوجه می‌شوند که ما دچار کرونا شده‌ایم!

موضوع دیگری که به لحاظ اخلاقی و اجتماعی علوم انسانی می‌تواند به ما کمک کند اجبار به انجام غربال‌گری در افراد است. در بسیاری از مکاتب مختلف کسی که مبتلا به سرطان می‌شود، اجبار به درمان نمی‌شود، اما این بیماری به دلیل تأثیری که بر زندگی دیگران دارد، اجبار به غربال‌گری و الزام به انجام آزمایش، درمان و همچنین واکسیناسیون دارد که موضوع مهم در این زمینه اولویت‌گذاری بیماران است.

دکتر حریرچی در خاتمه‌ی سخنانش با طرح این سؤال که آیا در شرایط کمبود تجهیزات بهداشتی، کشورها مجاز هستند برحسب سن یا احتمال بقا تصمیم بگیرند و تعدادی را درمان کنند یا نکنند؟! پاسخ داد: برای مثال، در این بحران در کشورهای اروپای غربی کسانی که به این بیماری مبتلا شده‌اند و از سن خاصی بالاتر بوده‌اند، مراقبت‌های محدودی از آن می‌کردند. در ایران در این زمینه نظرسنجی شده و مبنای اخلاقی این عمل قابل بحث است. در کشور ما مبنای احتمال بقا را بر مبنای سن و سال در شرایط مساوی ترجیح می‌دادند و مردم اولویت‌گذاری براساس سن، جنس و توان پرداخت را مورد قبول نمی‌دانستند. البته خوشبختانه در ایران لازم نشد تا این اولویت‌گذاری را انجام دهیم و محرومیت برای کسی انجام نشد. موضوع دیگری که علوم انسانی می‌تواند به ما کمک کند در مورد درمان‌هایی است که نتیجه‌بخشی و ایمنی آن‌ها هنوز ثابت نشده است. ما برای این‌که دارویی را مورد آزمایش قرار دهیم، بر مبنای شواهد عمل می‌کنیم. ولی بعضاً در مورد بیماری کووید ۱۹ بدون شواهد در سطح بین‌المللی تصمیماتی گرفته شد؛ برای مثال امروزه تأثیر داروی «کلروکین» مورد تردید واقع شده است و سازمان جهانی بهداشت آن را از فهرست داروها خارج کرده است و این امر بسیار مهمی است که باید مورد بحث قرار گیرد.

مسئله‌ی دیگر، فوت‌شدگان و حمایت از خانواده‌های آنهاست. امروزه افراد فوت شده از برگزاری مراسم محروم شدند که این می‌تواند در میان‌مدت و درازمدت تأثیرات منفی بگذارد. در یک جمع‌بندی این چالش بزرگ نقاط قوت و ضعف کشورها را نشان داد؛ برای مثال اغتشاشاتی که در آمریکا رخ داد یک ریشه در تبعیض نژادی دارد و یک ریشه هم در مسائل اقتصادی ناشی از کرونا. از این طریق نقاط قوت و ضعف اجتماعی و اقتصادی کشورها بیشتر نمایان شد و همچنین نقاط قوت و ضعف نظام‌های بهداشتی متفاوتی که در کشورها بود. یکی از مسائلی که روشن شد، این بود که بخش خصوصی نمی‌تواند به کمک مردم بیاید و عمده اقدامات در این حوزه به بخش دولتی واگذار شد. از این طریق بعضی از نقاط ضعف و قوت نظام‌های بهداشتی نشان داده شده است.



## چو بیند کسی زهر در کام خلق کی اش بگذرد آب نوشین به حلق؟

دکتر حسینعلی قبادی روز ۱۳ خردادماه ۱۳۹۹، در مراسم اختتامیه‌ی همایش مجازی چهار روزه‌ی ابعاد انسانی - اجتماعی مسئله‌ی کرونا در ایران، سخنان خود را با موضوع «بیم‌ها و امیدها در فضای کرونا» مطرح کرد که در ادامه متن کامل سخنان رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی از نظر تان می‌گذرد:

چو بیند کسی زهر در کام خلق

کی اش بگذرد آب نوشین به حلق؟ (سعدی)

با شیوع گسترده و سراسری ویروس کرونا، این روزها جامعه‌ی بشری با وضعیتی روبروست که به نظر می‌رسد در تاریخ جهان، نظیر آن، دیده نشده و آدمی در حوزه‌ی پیش‌گیری از صدمات و تبعات آن نیز تاکنون چنین عزمی مشترک را تجربه نکرده است. تصمیم همگانی بشر در برابر این پدیده با دیگر حوادث طبیعی یا زیست‌محیطی کاملاً متفاوت به نظر می‌رسد؛ حتی با حوادث هولناک بشرساخته‌ای مانند رخداد مهیب و اهریمنی بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی (که البته هنوز انسان‌ها در حیرت از آن جنایت هولناک به سر می‌برند). در دیگر رخدادهای طبیعی، زمان و مکان مشخص است و در هیروشیما و ویتنام بمب‌انداز و تیرافکن معلوم، ملموس و معین بود؛ اما این بار موجود موزی بسیار کوچک، که قامت آن کمتر از سر



سوزنی است، بشریت را به حقارت گرفته و در مصافش با حریف که جمعی بزرگ و قدرتی سترگ را تشکیل می‌دهد، آنان را به تعظیم و حیرت‌آورتر این که آنان که قدرتمندترند و در ادعای آقایی جهان پرخروش‌تر، در این معرکه عاجزتر مانده‌اند.

پرداختن به این مقال، مجالی دیگر می‌طلبد؛ آنچه به ابعاد انسانی، اجتماعی، فرهنگی و تمدنی مربوط می‌شود این که، باید اذعان کرد حضور کارساز در این میدان در هیچ نقطه‌ای از جهان به تنهایی کار دولت‌ها و حکومت‌ها نیست و مردم خود باید میدان‌دار باشند، به‌ویژه دولت‌های توسعه‌طلب و اقتدارگرایی که آسایش انسان و رفح دغدغه‌های او در اولویتشان نیست - که اگر می‌بود چنین مصیبتی در این ابعاد پیش نمی‌آمد - پس در این عرصه، حضور همه سرمایه‌های اجتماعی، امکانات مادی و معنوی جامعه‌ی بشری می‌تواند راهگشا باشد و این گونه است که ادبیات، این شیرازه‌ی پیونددهنده شاخه‌های علوم انسانی و حلقه‌ی واسط تمدن بشری به مثابه‌ی گستره‌ای بیکران در خلق امید و زدودن ناامیدی، بیم و اضطراب، می‌تواند عنصری مهم در تقویت منظومه‌ی سرمایه‌های معنوی ملت‌ها به‌شمار آید و نقشی کارساز در توانمندتر کردن انسان‌ها و تقویت اعتماد به‌نفس آنان ایفا کند. همان ادبیاتی که در آثاری همچون هزارویک شب تا در جستجوی زمان از دست رفته، تجلی پیدا کرده و مایه‌ی آرامش انسان شده و از هدم بشر جلوگیری کرده است. همان ادبیاتی که در شاهنامه‌ی فردوسی این گونه متجلی شد که می‌فرماید:

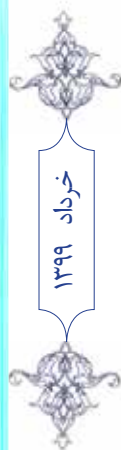
چو با دانشی شد، گشاده جهان

به آهن چه داریم گیتی نهن

و در سنایی و عطار و مولوی و سعدی و حافظ به اوج رسید و صلح و مدارا و ترسیم جهان‌عاری از خشونت را در محور درون‌مایه‌های خود قرار داد. در روزهای اخیر شاهد بودیم که خبرگزاری‌ها از سخنان نخست‌وزیر اسپانیا (پدرو سانچز) نوشتند که با بهره‌گیری از سروده‌ی پرمایه و جهانی سعدی بزرگ، از همه‌گان دعوت می‌کرد که در مبارزه با این بلا‌ی عالم‌گیر در اندیشه‌ی کمک به یکدیگر باشند. سعدی بزرگ که طنین سخنانش زمان‌ها را در می‌نوردد و گویی انسان امروز را مورد خطاب قرار می‌دهد که:

بنی آدم اعضای یک پیکرند

که در آفرینش ز یک گوهرند



چو عضوی به درد آورد روزگار

دگر عضوها را نماند قرار

با در جایی دیگر هنگامی که مردم دچار حرمان و مصیبت هستند، سعدی این چنین ژرف‌نگرانه از زبان یکی از بزرگان، ضرورت حس نوع‌دوستی و درد مشترک انسانی را بیان می‌کند:

چو ببند کسی زهر در کام خلق

کیش بگذرد آب نوشین به حلق؟

ادبیات فارسی مشحون از ظرفیت‌هایی سازنده در تقویت امید اجتماعی و شوق به زندگی است. ظرفیت‌هایی که در این نوشتار کوشش شده تا به گوشه‌ای از آنها اشاره شود. از این رهگذر، توان ادبیات فارسی در مواجهه با دوره‌هایی که اجتماع را رکود و فترت فرامی‌گرفته و انسان‌ها با یأس و ناامیدی روبرو می‌شدند، از طریق امیدبخشی اجتماعی و تقویت الفت و محبت بینافردی و اجتماعی نشان داده شود. به قول لسان‌الغیب شیرازی:

نبود نقش دو عالم که رنگ الفت بود زمانه طرح محبت نه این زمان انداخت

مولوی نیز همواره دغدغه‌ی آرامش انسان در طوفان حوادث را دارد و از سلم و مدارا و صلح سخن می‌گوید:

من که صلحم دائماً با این پدر این جهان چون جنت استم درنظر

او با نفی و طرد اندوه و یأس، امید را مایه‌ی تحول روحی و نشاط انسان و شادی زندگی می‌داند:

چنان کز غم دل دانا گریزد دو چندان غم ز پیش ما گریزد

نشاط و عیش به باغ بقا توانی کرد (کلیات شمس)

گر دل از غم دنیا جدا توانی کرد

و اولویت آن است که دولتمردان ایران نیز - که به سرچشمه‌ی چنین ادبیاتی متصل‌اند - بیش از بیگانگان به بازآفرینی و بهره‌گیری از چنین شاهکارهایی دل بندند و قدر علوم انسانی را بهتر بدانند. علوم انسانی میراثی قدسی که در گذشته، عمدتاً در ادبیات تجلی پیدا می‌کرد و فلسفه، فرهنگ، آئین و باورها، آموزه‌های دینی و ملی همه‌را دربرداشت. به همین دلیل در این جستار به ظرفیت امیدآفرینی برای جامعه‌ی امروز از نظرگاه مولوی متمرکز می‌شود. به راستی، مولوی انسانی امیدوار است و رشته‌ی طلایی امید به گونه‌ای ناگسستنی با تار و پود اشعار او پیوند یافته است. از «آفتاب امید» می‌گوید و از «کوی نومی» بر حذر است: «ناامید را خدا گردن زده است» (مثنوی). جلال‌الدین محمد بلخی رومی هراس‌های این دنیایی را در برابر لطف و عنایات حق ناچیز می‌شمرد:

در پناه لطف حق باید گریخت کو هزاران لطف بر ارواح ریخت (مثنوی)

به‌طورکلی، مسئله امید در بسیاری از داستان‌های مثنوی موجب گسترش پیرنگ روایت شده است.

مولوی، اعتقاد به وصال حق را سرچشمه امید و نشاط بر می‌شمرد. او وصال را در گروی بندگی حقیقی و عمل به «موتوا قبل ان تموتوا» می‌داند و معتقد است که «وجود آدمی اقتضای بی‌رنگی و پاکی دارد و رنگ و آلودگی بعداً بر آن عارض گشته ... انسان می‌تواند بار دیگر، خود را از اسارت رنگی که بر او عارض گشته است، برهاند...» و سبکبال بر آسمان وصال به پرواز درآید:

آفرینش و پویایی ادبی در اشعار مولانا از تجلیات امید در وجود است. «نوشدن و نوگفتن، خصوصیت مولوی بود؛ چرا که او به دریا متصل بود و کسی که به دریا متصل است و به خزانه‌های پایان‌ناپذیر دسترس می‌یابد، همیشه سخنان تازه دارد». حتی حزن مولانا نیز حزنی عرفانی است که در مبادی و سرآغازهای خود با الفت و امید استعلایی در پیوند است. به بیان دیگر، «غم عاشقان مقدمه‌ی طرب آنهاست. این غم، غم دنیا نیست؛ غم تنهایی هم نیست؛ ... غم جدایی است. این غم با شادی قابل جمع است».

آن‌چه از نظر گذشت، گوشه‌هایی بود از سر زندگی، امید و میل به آفرینش در ادبیات کلاسیک فارسی. ادبیاتی که با ظرفیت‌های سترگ خود در طول قرن‌ها تاریخ پرفراز و نشیب ایران سرمایه‌ای برای وحدت ملی، انسجام اجتماعی، امید به رهایی و میل به آفرینش بوده است. بر همه‌گان به‌ویژه اصحاب قدرت و دولت است که با شناخت و عزمی شایان در این برهه‌ی حساس در استواری و بالندگی چنین سرمایه‌ای گران‌بها و ملتی فداکار و شریف که در طول تاریخ پرفراز و نشیب ایران، میراث‌دار این سرمایه‌ی ملی و معنوی بوده و همواره بر سختی‌ها و مشکلات و ناامیدی‌ها غلبه کرده است، همت گمارده در تقویت روحیه‌ی امید کوشا باشند که به یاری خداوند بزرگ ایران امروز نیز با توجه به این میراث گران‌بها از موج وحشت، ناامیدی و یأس آلودگی این روزهای کروناپی عبور کند و آفتاب زندگی را از پس سایه‌های مرگ بازشناسد.

از پس ظلمت بسی خورشیدهاست (مثنوی)

بعد نومی‌ی بسی امیدهاست



## برگزاری جلسه‌ی هیأت امنای پژوهشگاه

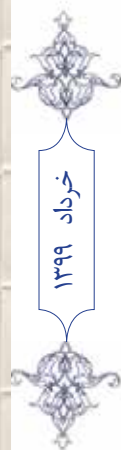
روز شنبه ۲۱ تیرماه ۱۳۹۹، پنجمین نشست از دوره‌ی چهارم هیأت امنای پژوهشگاه با حضور اعضا، در سالن اندیشه پژوهشگاه برگزار شد.

در ابتدای این نشست که دکتر باقری، قائم‌مقام وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، ریاست آن را بر عهده داشت، دکتر پارساپور، معاون کاربردی‌سازی علوم انسانی و فرهنگی، گزارشی از فعالیت‌های پژوهشگاه و اعضای هیأت علمی آن در مواجهه‌ی علمی با شیوع بیماری کرونا ارائه کرد که شامل مواردی مانند برگزاری همایش مجازی «بررسی ابعاد انسانی-اجتماعی کرونا در ایران»، ارائه‌ی طرح‌های پژوهشی، انتشار آثار «پویش رسانه‌ای امید» در فضای مجازی و یادداشت‌ها و مصاحبه‌های اعضای هیأت علمی و پژوهشگران پژوهشگاه از زمان ظهور بیماری تاکنون می‌شود. اعضای هیأت امنای پژوهشگاه، ضمن قدردانی از زحمات پژوهشگران علوم انسانی در واکنش سریع و جدی به ابعاد اجتماعی، روانی، اقتصادی و انسانی بیماری کرونا، اقدامات پژوهشگاه در این زمینه را پیشگامانه و مؤثر دانستند و بر ضرورت حمایت نهادهای مسئول از اجرای طرح‌های پژوهشی و سایر فعالیت‌های علمی آن درباره‌ی ابعاد مختلف این بیماری تأکید کردند.

در ادامه‌ی این نشست، دکتر مهربانی، سرپرست مدیریت ترویج پژوهش‌های علوم انسانی، گزارشی از فعالیت‌های این مدیریت در سه‌ماهه‌ی نخست سال جاری ارائه کرد که مواردی مانند برگزاری دوره‌های مختلف آموزشی در رشته‌های مختلف علوم انسانی با توجه به نیاز جامعه و به صورت آنلاین، ارتقای تعداد نشریات و مقالات بارگذاری شده در پرتال جامع علوم انسانی، ارائه‌ی ایده‌های جدید برای ترویج یافته‌های پژوهش‌های اعضای هیأت علمی در فضای عمومی و مانند آن را در بر می‌گرفت. اعضای هیأت امنای پس از استماع این گزارش، ایجاد و تقویت پیوند میان پژوهش‌های علوم انسانی و عموم جامعه را بسیار مهم دانستند و ضمن قدردانی از اقدامات صورت گرفته، پیشنهادهایی را جهت ارتقای فعالیت‌ها - به ویژه در حوزه‌ی بین‌المللی - ارائه کردند.

پس از آن، دستورهای جلسه مورد بحث و بررسی اعضا قرار گرفت و مقرر شد مصوبات جلسه، پس از تأیید از سوی وزیر محترم علوم، تحقیقات و فناوری، جهت اجرا به پژوهشگاه ابلاغ شود.

یادآور می‌شود، جلسات هیأت امنای دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی عموماً در دفتر وزیر علوم برگزار می‌شود که این بار با تشخیص قائم‌مقام وزیر و رئیس مرکز هیأت‌های امنای و ممیزه‌ی وزارت علوم، این جلسه در پژوهشگاه برگزار شد. علاوه بر این، نشست‌های کمیسیون دائمی هیأت امنای نیز در جلسات متعدد در طول سال در پژوهشگاه برگزار می‌شود و اعضای کمیسیون، ضمن شرکت در نشست، با اعضای هیأت علمی، پژوهشگران و کارکنان پژوهشگاه نیز دیدار و گفت‌وگو می‌کنند.



## علامه طباطبائی و علوم انسانی در ایران

شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، نشست «علامه طباطبائی و علوم انسانی ایران: گذشته، حال و آینده» را با سخنرانی دکتر حمید پارسانیا در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار کرد. در این سخنرانی علمی، اعضای شورای بررسی متون، معاونین و اعضای پژوهشگاه علوم انسانی و سایر علاقه‌مندان حضور داشتند. دکتر پارسانیا در شروع سخنانش گفت: فقه، علم و بخشی از حکمت و فلسفه است و این نگاه در فارابی هم دیده می‌شود. طبق رویکرد علامه طباطبائی، فقه بخشی از حیات اجتماعی ما است. ولی رشته‌های علوم اجتماعی و علوم سیاسی در چهار دهه پس از انقلاب این نوع نگاه به فقه نداشته‌اند.

وی در ادامه به بحث «اعتباریات» و «اراده» در مباحث علامه طباطبائی و همچنین نوآوری علامه طباطبائی در حوزه علوم انسانی همانند وجود اعتباری در فلسفه اسلامی و در حوزه حکمت صدرایی پرداخت.

به گفته‌ی پارسانیا، علامه، عقل را یک موجود متعالی و مجرد می‌داند. وی توضیح داد: وجود عینی جامعه، اعتباری است و همچنین از واقعیتی عینی نیز برخوردار است. این درحالی است که در جهان امروز عقل، فرهنگی و برساختی غالب است؛ درحالی که این عقل نیست بلکه عقلانیت است. به عبارتی عقل به عقلانیت افول کرده است. وی اضافه کرد: اقتضای این جهان، فرهنگ محوری است و فضای غالب هم این است که فرهنگ در صدر است و علم را می‌سازد.

پارسانیا در ادامه تأکید کرد: ما در معرض نوعی قرائت از علامه طباطبائی قرار گرفته‌ایم که بخش اعتباریات علامه را مطلق فرض می‌کنند. درحالی که این گزاره صحیح نیست که علامه همه علوم را اعتباری می‌داند. به گفته‌ی پارسانیا، علامه در ادراکات حقیقی و اعتباری مطلق نیست و نه مطلق واقعیات اعتباری است و نه مطلق اعتباریات واقعی است. ما باید در علوم حقیقی جلوی ورود اعتبارات را بگیریم و اعتبار نباید جلوی حقیقت را بگیرد. این نگرانی در شهید مطهری نیز وجود داشت. به زعم بنده کارهای شهید مطهری تقیح اعتبارات علامه است.

در پایان این نشست، اعضای حاضر در جلسه به طرح پرسش‌های خود پرداختند و سخنران نیز پس از پاسخ به سوالات حاضران به جمع‌بندی مباحث خود پرداخت.



در نخستین نشست از سلسله نشست‌های فرصت‌ها و چالش‌های ارتباط با جامعه و صنعت مطرح شد:

## برگزاری میز تخصصی ارتباط علوم انسانی با جامعه و صنعت

روز چهارشنبه، ۴ تیرماه ۱۳۹۹، نخستین نشست از سلسله نشست‌های فرصت‌ها و چالش‌های ارتباط با جامعه و صنعت با حضور دکتر محمدسعید سیف، مدیر کل دفتر ارتباط با جامعه و صنعت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. در این نشست دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، به رویکرد جدید پژوهشگاه نسبت به طرح‌های ذی‌نفع محور در قالب برنامه‌ی راهبردی دوم اشاره کرد و تغییر ساختار پژوهشگاه با افزودن معاونت کاربردی‌سازی پژوهش‌های علوم انسانی و فرهنگی را مصداقی از این رویکرد فعالانه دانست. در ادامه دکتر پارساپور، معاون کاربردی‌سازی پژوهش‌های علوم انسانی و فرهنگی به‌ضرورت توجه به رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی در پیشبرد اهداف جامعه و صنعت اشاره کرد و به شرح برخی از برنامه‌های آتی این معاونت در این راستا پرداخت.

سپس دکتر الهام ابراهیمی، مدیر نوآوری و کاربردی‌سازی پژوهش‌های علوم انسانی آماری از تعداد طرح‌های کاربردی و کارفرمایی پژوهشگاه طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹ ارائه داد و از اعضای هیأت علمی حاضر در نشست درخواست کرد، پیشنهادهای خود را برای غنی‌سازی و افزایش اثربخشی این طرح‌ها ارائه دهند. دکتر علیرضا ملایی توانی، معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه نیز ضرورت تدوین تاریخ شفاهی صنایع و سازمان‌ها را از جمله طرح‌های کاربردی اثربخش دانست. دکتر فرزانه میرشاه‌ولایتی، معاون نوآوری و کاربردی‌سازی پژوهش‌های علوم انسانی به توانایی‌ها و ظرفیت پژوهشگاه برای مشارکت در طرح مپسا اشاره کرد. دکتر منصور ساعی، عضو هیأت علمی پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و ارتباطات پژوهشگاه نیز به دو مقوله‌ی تأسیس کلینیک علوم انسانی با هدف ارائه‌ی مشاوره‌های تخصصی و کاربردی به افراد، سازمان‌ها و کسب‌وکارها و همچنین پرداختن به جایگاه روابط عمومی در برندسازی صنعت و محصولات تأکید داشت.





دیگر اعضای هیأت علمی نیز پیشنهادهایی در راستای برقراری حلقه‌ی واسط میان پژوهش‌های حوزه‌ی علوم انسانی و اجتماعی با جامعه و صنعت ارائه کردند.

در ادامه دکتر سیف ضمن پاسخ‌گویی به سؤالات اعضای حاضر، راهکارهای ارزشمندی در حیطه‌های مختلف ارتباط پژوهشگاه با جامعه و صنعت ارائه کرد که از جمله‌ی آنها می‌توان به فرصت‌های مطالعاتی در صنعت و شرایط خاص آن، برگزاری میز تخصصی ارتباط علوم انسانی با جامعه و صنعت با محوریت پژوهشگاه، برگزاری نشست‌های مستمر با دانشگاه‌های فنی برای تعامل هرچه بیشتر صنایع با حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی اشاره کرد. در پایان دکتر سیف بر ضرورت حصول نتیجه‌ی ملموس از این سلسله نشست‌ها تأکید و ابراز امیدواری کرد، این جلسات به برقراری ارتباط میان پژوهشگاه و سازمان‌های ذی‌نفع در حوزه‌ی پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی منجر شود.

زمان برگزاری دومین نشست از سلسله نشست‌های فرصت‌ها و چالش‌های ارتباط با جامعه و صنعت از طریق روابط عمومی پژوهشگاه اطلاع‌رسانی خواهد شد.



## بازدید اعضای هیأت رئیسه‌ی پژوهشگاه از پژوهشکده‌ی مطالعات استراتژیک خاورمیانه

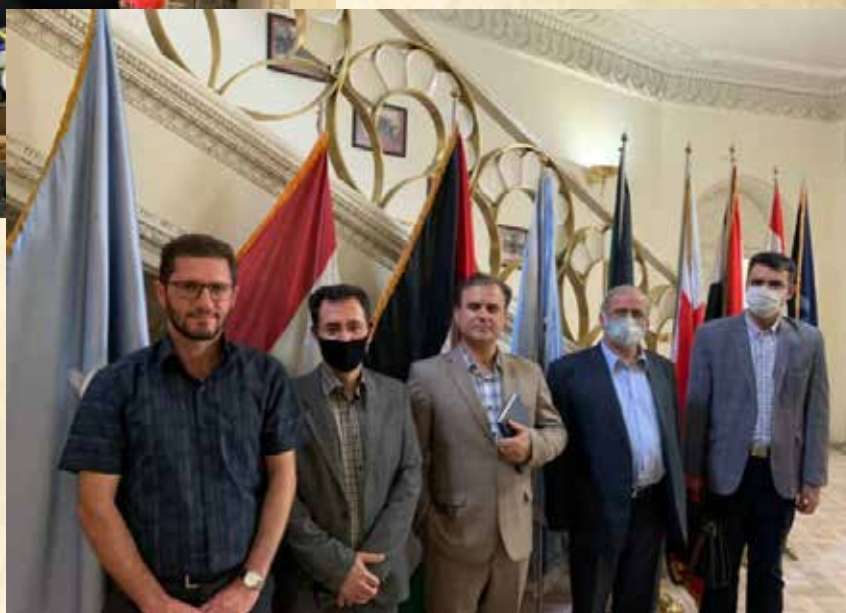
دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به همراه دکتر ملایی توانی و دکتر قنبرلو معاونان پژوهشگاه و دکتر علوی پور، رئیس حوزه‌ی ریاست ضمن بازدید از بخش‌های مختلف پژوهشکده‌ی مطالعات استراتژیک خاورمیانه، با مسئولین این پژوهشکده دیدار و گفت‌وگو کردند.

در ابتدای این دیدار، دکتر موسوی، رئیس پژوهشکده‌ی مطالعات خاورمیانه نقش این پژوهشکده در تعمیق پژوهش‌ها درباره‌ی وجوه مختلف سیاست و جامعه در خاورمیانه، ارتباطات بین‌المللی آن به ویژه در کشورهای عربی را فرصت مغتنمی برای ایجاد پیوند میان دانشمندان ایرانی، متخصصان و پژوهشگران در منطقه دانست و انتشار نشریات مختلف به زبان‌های فارسی، عربی و انگلیسی را از مزیت‌های این مؤسسه معرفی کرد.

پس از ایشان، دکتر قدیر نصری با بیان تاریخچه‌ی فعالیت‌های این پژوهشکده، ظرفیت‌های مختلف آن برای همکاری با نهادهای علمی و پژوهشی را برشمرد و تأکید کرد؛ همکاری میان پژوهشگاه و این پژوهشکده فرصت مناسبی برای ارتقای کارآمدی علوم انسانی در کشور خواهد بود.

دکتر قبادی نیز ضمن قدردانی از دعوت پژوهشکده‌ی مطالعات خاورمیانه، تأکید کرد: پژوهشگاه به عنوان بزرگ‌ترین و غنی‌ترین مؤسسه‌ی پژوهشی علوم انسانی کشور همواره آماده‌ی گسترش همکاری با دیگر مؤسسات و انجام فعالیت‌های مختلف و متنوع فرهنگی و پژوهشی، از قبیل شناسایی و بهره‌گیری از توان علمی و شخصیت فرهنگی استادان و پژوهشگران برجسته‌ی علوم انسانی کشور، تولید محتوای چندرسانه‌ای مؤثر، تدوین گزارش‌های راهبردی مشترک، برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌های مشترک علمی و تبادل استاد و محقق و منابع علمی و مانند آن است.

در ادامه‌ی جلسه، حاضران با گفت‌وگو درخصوص توانمندی‌های دوجانبه برای انجام فعالیت‌های مشترک، بر سر بندهای تفاهم‌نامه‌ی جامع همکاری‌ها توافق کردند و مقرر شد، کمیته‌ی دوجانبه‌ای جهت پیگیری عملی شدن مفاد این تفاهم‌نامه تشکیل شود.



## گزارش نشست مشترک مسئولان پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری با مسئولان و دست‌اندرکاران پژوهشگاه دفاع مقدس

روز دوشنبه ۲۶ خرداد ۱۳۹۹، نشست مشترک مسئولان پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری با مسئولان و دست‌اندرکاران پژوهشگاه دفاع مقدس در محل ساختمان این پژوهشکده برگزار شد.

در ابتدای این نشست دکتر اصغر اسمعیلی، معاون پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری، با ارائه‌ی گزارشی به معرفی پژوهشکده و فعالیت‌های مختلف آن و همچنین آثار تولیدشده و زمینه‌های همکاری با سایر سازمان‌ها از جمله پژوهشگاه دفاع مقدس پرداخت و بر لزوم همکاری دو مجموعه در تولید دانشنامه‌ی دفاع مقدس تأکید کرد. پس از آن دکتر الهام ابراهیمی، مدیر مرکز کاربردی‌سازی و پژوهش‌های علوم انسانی پژوهشگاه علوم انسانی به تشریح فعالیت‌های این مرکز پرداخت و از نحوه‌ی همکاری‌ها و قراردادهای کارفرمایی و مشترک توضیحاتی ارائه کرد.

سپس دکتر احمد پاکتچی، به اصول مختلف و فنون دانشنامه‌نگاری و چینش و سازمان‌دهی مقالات دانشنامه‌ای اشاره کرد. وی همچنین به چگونگی گنجایش مطالب فراوان در هر مقاله‌ی دانشنامه‌ای پرداخت و در مورد وظیفه‌ی اطلاع‌رسانی دانشنامه، به ارزش ارتباطی و اقتیابی مقالات دانشنامه‌ای تأکید کرد.

رئیس پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری با اشاره به ساختار منسجم مقالات دانشنامه‌ها ادامه داد: ۸۰ سال دانشنامه‌نگاری در ایران تجارب ارزشمندی را در اختیار عموم علاقه‌مندان قرار داده است و توجه به این مسئله عامل رشد و توفیق و عدم توجه به آن شکست در دانشنامه‌نگاری را موجب می‌شود. امروز بیش از ۳۰۰ دانشنامه در کشور در حال نگارش است که بی‌توجهی به مسائل فنی، برخی از آنها را با عدم توفیق مواجه کرده است. با توجه به سیاست‌گذاری در دانشنامه‌ی دفاع مقدس؛ جامعیت، دقت و به‌روز بودن سه‌جنبه‌ی اصلی در رسیدن به موفقیت هستند که می‌توانند دانشنامه را به هدف برسانند یا ناکام جلوه دهند. جمعی‌بودن کار دایره‌المعارف، سازماندهی و مدیریت پژوهش را پیش می‌آورد که باید به این مسائل توجه کرد.

در ادامه دکتر فتح‌اللهی رئیس پژوهشکده‌ی نظریه‌پردازی سیاسی و انقلاب اسلامی پژوهشگاه به مباحثی در مورد دانشنامه‌ی دفاع مقدس پرداخت و گفت: در مباحث دفاع مقدس، باید جای تحلیل‌ها باز باشد و خود را مستغنی از تحلیل دفاع مقدس ندانیم.

در ادامه دکتر نهادی نیز ضمن درخواست تشریح ساختار و سازمان پژوهشکده بر نکات ذیل تأکید کرد:

- ۱- انعقاد تفاهم‌نامه‌ی همکاری بین پژوهشگاه (علوم انسانی و دفاع مقدس)
  - ۲- بانک اطلاعات دانشنامه‌نویسان در اختیار پژوهشگاه دفاع مقدس قرار گیرد
  - ۳- نشست‌های تخصصی و کارگاه‌های آموزشی برای مؤلفان و مسئولان دانشنامه‌ی دفاع مقدس برگزار شود
- در خاتمه‌ی نشست نیز دیگر حاضران جلسه؛ سردار صبوری، سردار رودکی، سردار کاظمینی، دکتر هاشمی و دکتر نهادی به بیان دیدگاه‌های خود پرداختند.



## بازدید نماینده‌ی منتخب مردم آمل از پژوهشگاه

دکتر رضا حاجی‌پور نماینده‌ی منتخب مردم آمل در دوره‌ی یازدهم مجلس شورای اسلامی، روز سه‌شنبه ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۹۹، با حضور در پژوهشگاه، ضمن گفت‌وگو با اعضای هیأت رئیسه و مدیران پژوهشگاه در خصوص برنامه‌ها و ظرفیت‌های علمی و پژوهشی موجود در پژوهشگاه و امکانات و اقدامات صورت‌گرفته به‌ویژه در حوزه‌ی کاربردی‌سازی پژوهش‌ها و درآمدزایی، بر ضرورت پیوند بیشتر قوه‌ی مقننه و نهادهای پژوهشی مرجع مانند پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تأکید کرد و نقش تحقیقاتی و مشورتی پژوهشگاه را برای مجلس بسیار مهم دانست.

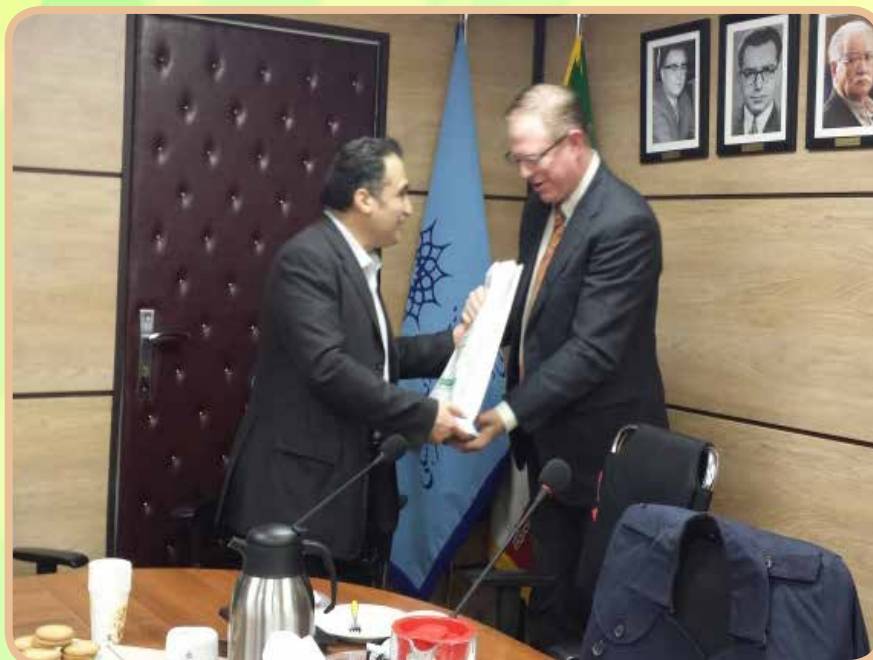
دکتر حاجی‌پور در ادامه از بخش‌های مختلف پژوهشگاه بازدید کرد و توضیحات لازم درباره‌ی فعالیت‌های مختلف علمی، اجرایی و ترویجی پژوهشگاه به ایشان ارائه شد.



## گزارش برگزاری نخستین کنفرانس بین‌المللی مطالعات قرآنی

نخستین همایش بین‌المللی مطالعات قرآنی به همت پژوهشکده‌ی مطالعات قرآنی با حضور استادان دانشگاه‌های مختلف دنیا در محل پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. اجرای این برنامه در راستای عملیاتی کردن راهبرد ارتباطی فرهنگی پژوهشکده‌ی مطالعات قرآنی تدارک دیده شده بود. در واقع هدف برگزاری این همایش؛ هم‌افزایی علمی، اثربخشی و رشد مطالعات قرآنی در پیوند و تعامل با دانشمندان جهانی با توجه به تأکید نقشه‌ی جامع علمی کشور بوده است.

تدارک این همایش در شمار فعالیت‌های تراز بین‌المللی پژوهشکده از سال ۱۳۹۷ پیگیری و خوشبختانه برگزاری آن در تیرماه ۱۳۹۸ در هیأت رئیسه‌ی پژوهشگاه مورد تصویب قرار گرفت. ارسال فراخوان مقالات همایش به اکثر دانشگاه‌های معتبر دنیا و وبگاه‌های قرآنی هم‌زمان با درخواست ثبت همایش در پایگاه استنادی جهان اسلام انجام شد. با تلاش‌های دبیر اجرایی (دکتر آلاء وحیدنیا) و کارشناس پژوهشکده (زهرا نبئی) مقالات بسیاری به زبان‌های عربی و انگلیسی به دبیرخانه‌ی اصلی شد که تقریباً ۲۲ مقاله از دانشگاه‌های هند، ایتالیا، انگلستان، آمریکا، بلغارستان، اوکراین، قطر، دانشگاه تهران، بنیاد دایره‌ی المعارف اسلامی و پژوهشگاه علوم انسانی از سوی کمیته‌ی علمی پذیرفته شدند.



اقدامات مؤثری از سوی مدیریت همکاری‌های بین‌المللی پژوهشگاه با همکاری وزارت عتف جهت دریافت روایید بسیاری از متقاضیان انجام شد که به دلیل برخی مشکلات کشور برخی از متقاضیان سفر خود را لغو کردند. همایش بین‌المللی مطالعات قرآنی با وجود مشکل اپیدمی و ویروس کرونا بالاخره در موعد مقرر با رعایت تدابیر بهداشتی برگزار شد.

مراسم با قرائت آیاتی از قرآن و سخنان دبیر اجرایی همایش، دکتر وحیدنیا و عضو هیأت علمی پژوهشکده‌ی مطالعات قرآنی آغاز شد. دکتر وحیدنیا ضمن خوشامدگویی به حاضران درباره‌ی فعالیت‌ها و راهبردهای پژوهشکده‌ی مطالعات قرآنی و نیز اقدامات اجرایی همایش مطالبی بیان کرد. دبیر علمی همایش، دکتر فروغ پارسا (مسئول پژوهشکده‌ی مطالعات قرآنی)، سخنران بعدی همایش بود. دکتر پارسا ضمن خوشامدگویی به حضار هدف از برگزاری همایش را ایجاد فضای هم‌افزایی و گفت‌وگو و ارتباط مؤثر بین قرآن‌پژوهان دنیا عنوان کرد. پارسا خاطر نشان کرد که ایران خاستگاه و مهد پیدایش تمدن اسلامی است و بسیاری از علوم اسلامی به همت دانشمندان ایرانی پدید آمده است. آثار قرآنی به‌ویژه مطالعات تفسیری ایرانیان سابقه‌ای بیش از ۱۵ سده دارد و بسیاری از کتاب‌های تفسیری مشهور از سوی ایرانیان تألیف شده است. چنان که امروز نیز حوزه‌ی مطالعات قرآنی در ایران به‌لحاظ کمی و کیفی فوق‌العاده تأثیرگذار است.



همایش با ارائه مقالات برگزیده در محورهای مربوطه ادامه داشت. سخنرانان این همایش چنان که در فراخوان‌های آن منعکس شده مقالات خود را به زبان انگلیسی ارائه کردند و در بخش پرسش و پاسخ نیز تمامی بحث‌ها به صورت بین‌المللی و به زبان انگلیسی مطرح شد.

محور اول همایش، قرآن و محیط دینی بود. در این حوزه، پروفیسور کورت ریچاردسون، استاد مرکز مطالعات ادیان ابراهیمی در دانشگاه دالاس آمریکا، شرکت کرده بود. وی در سخنرانی خود با عنوان «مضامین پیامبرانه قرآن در تکمیل متون مقدس ابراهیمی» بر یکسانی و همانندی پیام‌های ادیان ابراهیمی تأکید کرد و با تکیه بر برخی آیات نشان داد رسالت پیامبری محمد (ص) در واقع تکمیل و تأیید رسالت دیگر ادیان ابراهیمی بوده است.

دکتر احمد پاکتچی، دانشیار پژوهشکده مطالعات قرآنی سخنران بعدی همایش بود. وی با موضوع «مأموریت متمایز پیامبر (ص) در رابطه با دو گروه اجتماعی: مشرکان و اهل کتاب» سخن گفت و درباره تمایز پیام‌های نبوی در رابطه با دو گروه اجتماعی عصر رسالت صحبت کرد. پاکتچی با بررسی آیات مربوط به گروه اجتماعی مشرکان نشان داد این آیات درصدد هستند فاصله و تمایز بینش و کارکردهای موحدان و مشرکان را بیان کنند. از سوی دیگر آیاتی که اهل کتاب را مورد خطاب قرار داده همواره بر امور اعتقادی مشترک مثل توحید و معاد تأکید کرده است.

محور دوم همایش، رویکرد‌های ادبی، تاریخی-انتقادی و تطبیقی به قرآن بود. در این حوزه پرفسور مایکل کالیبریا، استاد مرکز مطالعات عربی و اسلامی در دانشگاه سنت بونوچور در ایالت کالیفرنیا آمریکا، با عنوان «زبان تاج محل: اسلام، عبادت و دین شاه جهان» سخنرانی کرد. کالیبریا که علاقه زیادی به تبیین برجستگی‌های هنر اسلامی دارد با مروری بر معماری مسجد تاج محل و تحلیل هماهنگی انتخاب محتوای آیات و رنگ‌ها و هدف از طراحی مسجد، شاه جهان را فردی ارادتمند و علاقمند به اسلام و پیامبر بیان کرد. کالیبریا معتقد است آیات قرآنی به صورت شگفت‌انگیزی الهام بخش عشق و رحمت و مهربانی است.

آقایان قندهاری و فیض بخش؛ دانش‌آموختگان دانشگاه تهران نیز با ارائه مقاله‌ای با عنوان:

How "Islamic" is the Study of Qur'anic Historical Origins: Qur'anic "Clarification" as a Muslim Justification for the Historical-Critical Method



در تلاش بودند با بهره‌گیری از الگوهای جدید مطالعات تطبیقی قرآن و عهدین که در دو سه دهه‌ی اخیر شکل گرفته است، نشان دهند مصادیق متعدد از روایات مشترک بین دو متن مقدس، خللی به حیانی بودن قرآن وارد نمی‌آورد و بیش از همه تعامل قرآن با محتوای روایات عهدینی را مشخص می‌سازد. همان تعاملی که خود قرآن از آن با عنوان «تبیین» یاد کرده است: در بیش از پنج آیه، قرآن از نقش خود به عنوان مبین عهدین یا کتب پیشین یاد کرده و این تبیین را از جنس: بازگویی، رفع اختلاف، تفصیل و همین‌دانه دانسته است. در واقع یافتن منابع عهدینی آیات قرآنی در پارادایم جدید، لزوماً به ضرر الهیات اسلامی نیست، که ریشه در معرفی قرآن از نقش خود دارد. عبدالله گله‌داری استاد دانشگاه خلیفه ابوظبی سخنرانی خود با عنوان «گاو قرمز: در ادبیات قرآنی و یهودی» را به صورت مجازی ارائه کرد.

محور سوم همایش، تاریخ تحقیقات و مباحث روش شناختی در مطالعات قرآنی بود. ایوان دولگارف، استادیار مرکز مطالعات اسلامی دانشگاه سنت کلایمنت در صوفیه بلغارستان، سخنرانی خود با عنوان مبادی و کاربردهای معناشناختی قرآن، را ارائه کرد. در ادامه دکتر زهرا محقیان استادیار پژوهشکده مطالعات قرآنی، مقاله‌ی «ماهیت بنات الله در نگاه‌های سنتی مسلمانان؛ مطالعه انتقادی تطبیقی» و دکتر مجید مبلغی، استادیار پژوهشگاه علوم انسانی، مقاله‌ی «منشاء روشنفکری اسلامی تحت تأثیر پارادایم ارجاعی به قرآن» را ارائه کردند.

محور چهارم همایش مخطوطات قرآنی بود. در این محور مقالات ذیل پذیرفته شد که به دلیل شرایط موجود موفق با ارائه مقالات خود نشدند.

دکتر آلاء وحیدنیا: رد پای ابن عامر در قرائت اندلس

دکتر مرتضی کریمی نیا: مصاحف و دست نوشته‌های قرآنی منسوب به امام علی و دیگر امامان شیعه

این همایش نخستین تجربه و نخستین گام موفق در زمینه‌ی هم‌گرایی و گفت‌وگوی سازنده بین قرآن‌پژوهان سراسر دنیا بود و با توجه به بازخورد آن در مجامع بین‌المللی دنیا، امید می‌رود در سال‌های آینده با وسعت بیشتری ان‌شاءالله برگزار شود.



## ششمین هم‌اندیشی جایگاه مطالعات قرآنی در اعتلای علوم انسانی

ششمین هم‌اندیشی «جایگاه مطالعات قرآنی در اعتلای علوم انسانی» با موضوع «مطالعه‌ی موردی: مسئولیت اجتماعی» به همت پژوهشکده‌ی مطالعات قرآنی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. مراسم افتتاحیه همایش با تلاوت قرآن و سخنان دکتر فروغ پارسا (دبیر علمی هم‌اندیشی) و دکتر زهرا محققیان (دبیر اجرایی هم‌اندیشی) که اهداف برگزاری این سلسله هم‌اندیشی‌ها و همچنین موضوع هم‌اندیشی را بیان کردند، آغاز شد و در ادامه سخنرانی و مقالات همایش در چهار محور ارائه شد. نشست اول هم‌اندیشی با عنوان «قرآن، جامعه مدنی و مسئولیت اجتماعی» و با حضور دکتر سید محمدعلی ایازی (عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات)، دکتر مقصود فراستخواه (عضو هیأت علمی مؤسسه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی) و دکتر حسین شیخ زاده (عضو هیأت علمی دانشگاه خوارزمی) برگزار شد.



دکتر ایازی در سخنرانی خود با عنوان: «پیوند اخلاق اجتماعی در قرآن با تحولات جامعه»، گفت: اخلاق اجتماعی را آراستگی به فضائل برای زیستی بهتر و مهربانانه و همدلانه‌تر، معنا کرده‌اند. این اخلاق در برابر اخلاق فردی است که فارغ از رابطه با غیر، در آراستن به فضائل و زدودن رذائل ارزش ذاتی دارد؛ اما وقتی که در نهاد انسان اجتماعی بودن هست، دیگر این «من» نمی‌تواند به درون او محدود شود؛ بلکه این مراقبت، او را برای خویش‌داری و رفتار مناسب با دیگران مهیا می‌سازد. اخلاق اجتماعی، رکن رکن اخلاق قرآنی و بخش بسیار بزرگی از معارف اخلاقی را در بیش از هفتاد سوره تشکیل می‌دهد. به نظر بسیاری از عالمان رابطه‌ی اخلاق با تحولات اجتماعی دوسویه است؛ زیرا اخلاق در سلامت و توسعه‌ی جامعه تأثیرگذار است و توسعه‌ی جامعه در رعایت اصول اخلاقی. به تعبیر دیگر، انسان‌ها در شرایط عادی اخلاق مدار هستند و این‌طور فکر می‌کند که اگر کسی بیشتر دارد، به‌طور حتم بیشتر تلاش می‌کند و نتیجه می‌گیرد که او هم باید تلاش کند تا به آنجا برسد، حتی اگر نیازهای خود را نیز به عقب بیندازد. ولی اگر فرد در جامعه‌ای بیند، افرادی قدرتمند، نه از راه طبیعی، بلکه با ویژه‌خواری و بی‌عدالتی پیشرفت می‌کنند و او با همه‌ی تلاش‌ها، نمی‌تواند نیاز خود را تأمین کند و نمی‌تواند حتی حداقل‌های معیشتی خود را به دست آورد، دیگر عادی رفتار نمی‌کند و از همین‌جا فساد گسترده می‌شود و موعظه‌ی اخلاقی در جامعه ثمری نمی‌دهد و اخلاق اجتماعی فراگیر نمی‌شود. از سوی دیگر سلامت





جامعه، امنیت و آرامش و آسایش اجتماعی انسان نیز به کیفیت معاشرت، سلوک و تربیت اخلاق اجتماعی آن‌ها بستگی دارد. جامعه‌ای که بداخلاقی در آن شیوع یافته، مصالح شخصی بر منافع اجتماعی ارجحیت می‌یابد. فردی که پایبند به مکارم اخلاقی باشد، به‌طور قطع در روابط اجتماعی خود نیز منافع اجتماع را مدنظر می‌گیرد و اگر افراد جامعه این‌گونه باشند، اخلاق اجتماعی در این جامعه نهادینه شده است. قرآن بارها نسبت به تأثیر اخلاق در اصلاح و بهبود شرایط اجتماعی و تحولات اقتصادی سخن گفته است و بسامد ایمان و تقوا در قرآن و تبیین‌هایی بر آن مترتب کرده، فراوان است و در بسیاری از آیات، سخن از ایمان و تقوا برای رفتارهای اصلاحی و ایجاد آرامش و خویش‌داری جامعه است که نشان می‌دهد که جامعه بدون اخلاق، راه به‌جایی نخواهد برد و تضمین و تداوم رعایت حقوق شهروندی بر پایه‌ی اخلاق اجتماعی نهاده شده است.

در ادامه‌ی نشست دکتر فراستخواه سخنان خود با عنوان «تأملی در ژانر قرآن و...»، مورد مثال: قرآن و مسئولیت اجتماعی علم و دانشگاه» را آغاز کرد و ژانر «قرآن و...» تا حد زیادی برای ما گمراه کننده شده است. مثل قرآن و بانکداری، قرآن و بیمه، قرآن و حقوق بین‌الملل، قرآن و حقوق بشر، قرآن و حقوق زنان، قرآن و حکمرانی، قرآن و علوم انسانی و... این ژانر، مستعد خطاهایی معرفت‌شناختی، زبان‌شناختی، روش‌شناختی و نیز تناقضاتی به لحاظ تأویل و ساختار متن است. قرآن، کتابی دینی و متعلق به دوره‌ی نبوت‌ها در فرهنگ مذهبی سامی و آیین‌های حنیفی است. فاصله تاریخی و دورانی و پارادایمی میان آن با دوره‌های بعدی وجود دارد که طی آن فلسفه‌ها و علوم و نهادهای علمی و تقسیم کار اجتماعی و موضوع مهم تخصصی شدن و دیگر گسست‌ها به میان آمده است. از سوی دیگر تمایزاتی بین ساحت دین با ساحت دیگر مثل علم و فناوری و هنر و حکمرانی هست. دین، واجد دستور زبان و نظم و واژگانی و معرفتی و حوزه‌ی دلالتی خاص خود و گرامر متفاوت است.

وی سپس چند نسخه از ژانر قرآن و... نام برو و توضیحاتی در مورد هریک ارائه کرد: ۱. نظارت و تعیین تکلیف، ۲. تأویل و انطباق، ۳. تعامل و گفت و گو و ۴. تحلیل و تفکیک چند نسخه از این ژانر هستند. برای مثال اگر بگوییم «قرآن و علوم انسانی، قائل نسخه نخست که گویا در جای خداوند متعال نشسته و مصدر وحی قرآنی است و از بالا بر همه عالم و آدم نظارت دارد و تکلیف حق و باطل را به قطع و یقین، تعیین می‌کند؛ می‌گوید این علوم مبتنی بر مبادی الحادی و غربی هستند و در نتیجه می‌کوشد فی‌المثل یک جامعه‌شناسی یا روان‌شناسی یا مدیریت یا فلسفه‌ی حکومتی دیگر و نظام علمی دیگر بر مبنای قرآن تولید کند. نسخه‌ی دوم اما، به تکلف هم شده از داستان هابیل و قابیل، فلسفه‌ی تاریخ و تضاد طبقات و مسئولیت مبارزه‌ی طبقاتی در می‌آورد. نسخه‌ی سوم بطور مثال می‌گوید قرآن، مخاطبانش را به علم فرامی‌خواند و این می‌تواند موجب اقبال آنها به علوم انسانی و تمدن‌سازی شود یا به استناد مسئولیت عالمان در قرآن یا دیگر دلالت‌های سرشار قرآنی در باب علم، برای اشاعه و ترویج مسئولیت‌های اجتماعی علم و دانشگاه در میان معتقدان به قرآن استدلال می‌کند. نسخه‌ی چهارم بر تفاوت‌های علم در قرآن با علم مدرن، متمرکز می‌شود و مابقی قضایا، به‌نظر نویسنده درحالی‌که دونه‌ی نخست، آشکارا مغالطه‌آمیز می‌نمایند، نسخه سوم و چهارم می‌توانند از جهات منطقی برخوردار باشند. علم و دانشگاه به معنای خاص کلمه اصولاً اموری به اصطلاح مستحدثه هستند و جز با اجتهاد در اصول و فروع نمی‌توان به دلالتی احتمالی از قرآن درباب آنها رسید. از باب ترابط میان انواع ساحت و معرفت‌ها و زبان‌ها، ممکن است در قرآن دلالتی هست که می‌توان آن را درباب علم و دانشگاه و مسئولیت اجتماعی آنها استنباط و استنتاج کرد. به‌طورمثال اگر قرآن مخاطبش را به منع اقتفا به غیر علم می‌خواند یا کتمان علم را تقبیح می‌کند در این صورت شاید بشود از لوازم علمی و دانشگاهی آن در دنیای امروز سخن گفت مثل استقلال دانشگاه و آزادی آکادمیک. از سوی دیگر تمایز ساحت در این جا بسیار مهم است. مسئولیت اجتماعی و پاسخ‌گویی اجتماعی در معنای امروزی‌اش، بنا به سرشت خود امری غیر از امر قرآنی است و بسته به این‌که آن را امری اخلاقی، عرفی، حقوقی یا مدنی یا عقلی و هر شق دیگر بدانیم بحث متفاوتی در خصوص قرآن و مسئولیت اجتماعی خواهیم داشت.

فراستخواه در پایان گفت: اگر مسئولیت اجتماعی را امری اخلاقی تلقی کنیم، دین و اخلاق دو ساحت جدا هستند. برخی اخلاق‌ها دینی و برخی غیردینی هستند، بعضی دین‌ها اخلاقی و بعضی غیراخلاقی‌اند. اخلاق در اصل قابل فروکاستن به دین نیست کماینکه دین نیز قابل تحویل به اخلاق نیست. همین‌طور است اگر مسئولیت اجتماعی امری عرفی باشد در این جا نیز باید میان عرف و شرع (عرف و قرآن) فرق نهاد و یا اگر آن را امری عقلی بدانیم بحث مستقلات عقلیه به میان می‌آید کماینکه اگر آن را حقوقی و مدنی و غیر آن بدانیم. که اگر انتظار داریم قرآن کمکی به علم و دانشگاه در دنیای امروز و به مسئولیت اجتماعی دانشگاه و دانشگاهیان و حاملان علوم انسانی بکند، در این جا ما با پرسش چگونه درگیر هستیم که باید به آن پاسخ داده شود.



در ادامه‌ی نشست دکتر شیخ‌زاده در سخنرانی خود با عنوان «آثار و پیامدهای سیاسی، اقتصادی اجرای آموزه‌های قرآن کریم در زمینه مسئولیت اجتماعی» گفت: قرآن کریم به عنوان آخرین و کامل‌ترین راهنمای وحیانی بشر هم راهنمای سعادت اخروی و هم برنامه‌ی جامع زندگی دنیوی است و برای همه‌ی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها بدون محدودیت زمانی و مکانی دارای برنامه و راهکار است؛ «مسئولیت جمعی یکی از این موارد است که قرآن کریم در آیات مختلف آن را مورد توجه قرار داده است. در ایران برخلاف حاکمیت نظام سیاسی مبتنی بر دین، نتایج و آثار مطلوب مسئولیت جمعی چندان مشهود نیست و اگرچه مبانی قرآنی مسئولیت جمعی در اصل هشتم قانون اساسی مد نظر قرار داده شده است، اما در عمل اجرای آموزه‌های قرآن در حوزه‌ی اجتماعی نسبت به حوزه‌ی فردی ضعیف‌تر است. یکی از مهمترین عوامل بروز این پدیده، شکل‌گیری نگرش نادرست در فرهنگ سیاسی جامعه به‌ویژه فرهنگ نخبگان سیاسی مبنی بر تفکیک دستورات دین در حوزه‌های فردی و اجتماعی است. توجه جدی به مبانی دینی مسئولیت جمعی می‌تواند پیامدهایی نظیر افزایش نظارت همه‌گانی، بهبود عملکرد نخبگان سیاسی، کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی، افزایش مشارکت سیاسی، کاهش فساد اداری و مواردی از این قبیل را در پی داشته باشد. حصول این نتایج مستلزم تغییر نگرش نامتوازن نسبت به قرآن کریم و اصلاح برداشت‌های سیاسی - اجتماعی از مفاهیم و آموزه‌های قرآنی مانند مسئولیت همگانی (کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة)، امر به معروف و نهی از منکر و باز تعریف این مفاهیم براساس مقتضیات زمان است.

نشست دوم با عنوان «قرآن، زن و مسئولیت اجتماعی» با مدیریت دکتر محمد علی طباطبایی آغاز شد و دکتر فروغ پارسا و دکتر فاطمه راکعی (اعضای هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) و دکتر شهریار نیازی (عضو هیأت علمی دانشگاه تهران) به ارائه‌ی سخنرانی خود پرداختند.

در ابتدا دکتر پارسا به موضوع «نقش آموزه‌های قرآنی در جنبش‌های اجتماعی زنان مسلمان» پرداخت و گفت: پیمان وفاداری و همکاری همه‌جانبه‌ی پیامبر (ص) با زنان که در آیات پایانی سوره ممتحنه نازل شده، نخستین بارقه‌های تحول و اصلاح دیدگاه‌های جنسیتی از سوی یک شریعت و مذهب نو را در تاریخ بشریت ثبت و ضبط کرد. این پیمان برخلاف رسوم و سنت‌های چند هزارساله نه بین دو قوم و قبیله و نه بین ساکنان دو سرزمین متخاصم بلکه بین جنسیت زنانه و مؤنث و پیامبر (ص) به مثابه مقام رهبری و فرمانده حرکت منعقد شد. در واقع نفس این پیمان، موجودیت زنان را که در سنت رایج حتی بر سطح زمین تحمل نمی‌شد به مرتبه حضور مسئولانه در مناسبات سیاسی و اجتماعی روز ارتقاء داد. بیعت و پیمان پیامبر (ص) با زنان در حدیبیه باردیگر در سال دهم هجرت در اوج قدرت رهبر جامعه اسلامی یعنی در جریان فتح مکه تکرار شد. بیش از آن در طول نزول وحی و در طی حیات پیامبر (ص) آیات دیگری اهمیت و جایگاه زنان به‌مثابه جنس مؤنث را تأیید و تأکید کرد، چنان که به گواهی گزارش‌های تاریخی زنان و مردان مسلمان در کنار یکدیگر بنیاد جامعه قدرتمند مدینه و شکل‌گیری امت اسلامی را رقم زدند. جایگاه و منزلت زنان در جامعه اسلامی با دور شدن از عصر رسالت کم رنگ و کم‌رنگ‌تر شد. در واقع اگرچه آموزه‌های قرآنی به جد موجودیت و حقوق مستقلی برای زنان قایل بودند و بر مشارکت و مسئولیت‌های اجتماعی زنان تأکید می‌کردند به‌دلیل برخی تفسیرهای دیگرگونه، این حقوق نادیده گرفته شدند. زنان مسلمان از سده‌های میانی به‌این‌سو همواره برای بازپس‌گیری حقوق مدنی و اجتماعی



در سرزمین‌های مختلف اسلامی بیش‌وکم حرکت‌هایی داشتند که به‌ویژه در سده‌ی بیستم به جنبش‌های مشخصی تبدیل شد. این جنبش‌ها اگرچه تا حدودی متأثر از جنبش‌های زنان (فمینیستی) در غرب است ولی عموماً اساس و مبنای آن آموزه‌های قرآنی بوده است. جنبش زنان مسلمان در ترکیه، ایران، پاکستان، مصر، الجزایر، مراکش و اخیراً در عربستان و امارات عربی در این میان قابل ذکر هستند. جنبش‌های اجتماعی زنان مسلمان در سرزمین‌های مختلف جغرافیای جهان اسلام متأثر از قوانین فرهنگی، سنت‌های محلی و تفاسیر عالمان دینی پدیدار گشته است. با این همه تلاش برای اثبات هویت اجتماعی و ایفای نقش مسئولانه در قبال وظایف اجتماعی براساس آموزه‌های قرآنی در همه‌ی جنبش‌های اجتماعی زنان مسلمان مشترک و مشابه است.

سخنران دیگر نشست دوم دکتر راکعی بودند که به ایراد سخن با عنوان «زنان و احساس مسئولیت مادرانه در قبال مسائل اجتماعی» پرداخت و طی سخنانی تصریح کرد: رسالت اجتماعی زنان به گواهی تاریخ صدر اسلام و مسئولیت‌پذیری و تعهد بزرگ زنانی چون خدیجه و فاطمه(س) در قبال مسائل سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی، مسائلی نیست که نیاز به ذکر حجت و اثبات داشته باشد. مسئولیت و تعهد اجتماعی زینب(س) و دیگر زنان واقعه‌ی عاشورا نیز برگ پر افتخاری است که زنان آگاه و شایسته، در تاریخ اسلام و جهان به یادگار گذاشته‌اند. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران به زعامت حضرت امام خمینی، و با توجه به تأکیدات وی مبنی بر حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی، زنان ایرانی با همه توان و ظرفیت و تعهد زنانه و مادرانه شان در زمینه‌های مختلف، به صحنه آمدند و افتخار آفریدند. حضور آگاهانه و پرشمار در تظاهرات خیابانی و در پشت جبهه‌های جنگ تحمیلی، حضور در عرصه‌های علمی دانشگاه‌ها، حضور در شکل‌دهی به مؤسسات مردم نهاد برای حمایت از حقوق فردی، خانوادگی، اجتماعی و سیاسی زنان، ایجاد نهادهای خیریه برای کمک‌های سازمان‌یافته به مستمندان - به‌ویژه زنان و کودکان نیازمند- و تلاش برای راه‌یابی به حوزه‌های خطیر تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و تأثیرگذاری در اداره‌ی امور جامعه، از طریق شرکت در برنامه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی، شورای شهر و... و تشکیل احزاب سیاسی زنان برای فرهنگ‌سازی لازم در جامعه برای حضور پررنگ‌تر زنان در عرصه‌های سیاسی و دست‌یابی به مدیریت‌ها در سطوح و ابعاد مختلف، از تلاش‌های زنان در سایه پیروزی و استقرار جمهوری اسلامی ایران در چهار دهه‌ی اخیر بوده است.

سخنران بعدی پنل، دکتر نیازی، به شرح «مسئولیت اجتماعی زنان از منظر قرآن» پرداخت و گفت: در قرآن مؤمنان به‌طور عام مسئولیت‌های مختلفی را در ساختارهای اجتماعی عهده‌دار هستند. زبان مذکر قرآن، آنگاه که میان واژگان مذکر و مؤنث با هم آیی نباشد، هر دو جنس را شامل می‌شود. به همین خاطر بسیاری از مسئولیت‌های اجتماعی، میان زن و مرد مشترک است؛ اگرچه صداهای زنانه و لزوم حضور آنان در ساحت‌های مختلف اجتماعی به خوبی شنیده نشده است. از سوی دیگر برخی مسئولیت‌های اجتماعی ویژه‌ی زنان نیز در قرآن وجود دارد که اگرچه تصریح شده است، اما مفسران و قرآن پژوهان توجه چندانی به چنین مسئولیت‌هایی نداشته‌اند. تلاش برای به حاشیه راندن زنان از صحنه‌ی جامعه و حصر خانگی آنان شیوه‌ای رایج بوده است که آموزه‌های واقعی قرآن را در این ارتباط نادیده انگاشته است.

نشست سوم هم‌اندیشی با مدیریت دکتر آلاء وحیدنیا با عنوان «قرآن، عدالت و مسئولیت اجتماعی» آغاز شد. در این نشست دکتر نعمت‌الله فاضلی و دکتر احمد پاکتچی (اعضای هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) و دکتر علی‌اکبر علیخانی (عضو هیأت علمی دانشگاه تهران) حضور داشتند.

در ابتدا دکتر فاضلی به‌عنوان اولین سخنران نشست سوم، سخنرانی خود را با عنوان «مسئولیت اجتماعی مطالعات میان‌فرارشته‌ای: طرح دیدگاهی مبتنی بر یادگیری و یاددهی» آغاز کرد و گفت: ایده‌ی کلی من اینست که مسئولیت اجتماعی بنیان اصلی گفتمان مطالعات میان‌رشته‌ای است. برای اجرا و تحقق مسئولیت اجتماعی در این مطالعات دو رویکرد کلی وجود دارد. نخست، رویکرد نتیجه‌گرا که بر محصولات پژوهشی و دستاوردهای نهایی این مطالعات در مسیر پاسخ‌گویی به مسائل و نیازهای مبرم اجتماعی توجه و تکیه دارد؛ دوم، رویکرد فرایندگرا که بر پرورش و تربیت نیروی انسانی و فردکارآمد اجتماعی می‌پردازد. من از رویکرد دوم دفاع می‌کنم و معتقدم مسئولیت اجتماعی دانشگاه و مطالعات میان‌رشته‌ای در گرو اصلاح و بهبود فرایندهای یادگیری و یاددهی است. در علوم انسانی و اجتماعی زمانی می‌توان فرد مسئول و مسئولیت‌پذیر داشت که محیط آموزشی و فرایند آموزش براساس پرورش فرد کارآمد اجتماعی و شهروند دانشگاهی استوار باشد. «فرایند میان‌رشته‌ای شدن دانش ایده‌ی اصلی در این بخش است که از نیمه‌ی دوم قرن بیستم در معنای امروزی آن آغاز به گسترش می‌کند. این امر نتیجه بحران‌های معرفتی و انگاره‌ی مسلط آن از یک سو، و بحران‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی از سوی دیگر است.

وی سپس به چگونگی پیوند میان میان‌رشته‌ای شدن دانش با مقوله‌ی مسئولیت اجتماعی از جنبه‌های نظری و جهانی اشاره کرد و گفت: هسته‌ی کانونی گفتمان میان‌رشته‌ای، مسئولیت اجتماعی دانش در جهان امروز است و چالش‌های اجتماعی و معرفتی در فرایند میان‌رشته‌ای شدن دانش‌های انسانی و اجتماعی در ایران تأثیرگذار هستند.



فرایند میان‌رشته‌ای شدن در ایران در دو دهه‌ی اخیر شتاب گرفته است، و حوزه‌های میان‌رشته‌ای بسیاری به‌وجود آمده است، اما این امر تا امروز چندان بارور و کامیاب نبوده است و نتوانسته تحولات عمیق و جدی در انگاره‌ی پژوهشی و آموزشی دانش در ایران ایجاد کند زیرا این مطالعات از نظر چگونگی یادگیری و یاددهی با موانع و محدودیت‌های ساختاری مواجه است. مقوله‌ی مسئولیت اجتماعی دانش در دانش‌های انسانی و اجتماعی زمانی تحقق می‌یابد که مراکز آموزش عالی بتوانند ارزش‌ها و باورهای معین ضمانت‌کننده و ترغیب‌کننده‌ی دانشجویان و دانش‌گاہیان در زمینه مسئولیت را گسترش داده و در محیط آموزشی خود آنها را تجربه کرده و درونی سازند.

در ادامه دکتر پاکتچی با عنوان «تعامل هنجارها و آرمان‌ها در درک مسئولیت اجتماعی در قرآن کریم» سخنرانی خود را شروع کرد و گفت: مسئولیت اجتماعی مانند بسیاری از مفاهیم نوخاسته از بستر مدرنیته، با چالش تناسب با ریشه‌های فرهنگی جوامع، و از جمله ریشه‌ها در فرهنگ اسلامی مواجه است و برای نهادینه شدن آن در جامعه‌ی ما، ضروری است تا این نسبت به‌درستی تبیین شود. لذا می‌بایست بر تحلیل مؤلفه‌های برای بازخوانی نصوص دینی در این‌جا و اکنون معاصر تلاش کرد و کوشش شود نخست مؤلفه‌های مفهوم «مسئولیت اجتماعی» استخراج شود و سپس براساس پیوندها مبتنی بر مؤلفه‌های بنیادین، این بازخوانی انجام گیرد. همچنین می‌توان گفت که تا آنجا که به یافتن نسبت این مفهوم مدرن با آموزه‌های قرآن کریم بر پایه آن مؤلفه‌ها مفهومی مربوط می‌شود، تاریخ انگاره با تحلیل مؤلفه‌ای است و تا آنجا که به بازخوانی قرآن برای پاسخ به نیازهای عصری بازمی‌گردد، از مقوله‌ی جری و تطبیق است. در مسیر این پژوهش، نخست بایست الگویی مرکب از دو تقابل مفهومی، بایسته‌های کمینه در تقابل با بایسته‌های بیشینه، و بایسته‌های هنجاری در تقابل با بایسته‌های آرمانی ارائه شود و سپس نسبت‌های مؤلفه‌محور به دست آمده از رابطه میان آموزه‌های قرآنی و مفهوم معاصر مسئولیت اجتماعی، در قابل چهارگان حاضر از این ضرب، صورت‌بندی شود.

سخنران سوم این نشست دکتر علیخانی در سخنرانی خود را با موضوع «جوهری عدالت در قرآن و تضمین آن براساس قاعده اولویت» گفت: به اعتقاد من عدالت به مثابه یک نظام جامع، اگر تدوین یا نظریه‌پردازی شود هیچ حوزه‌ای نیست که از آن بیرون بماند. اما از سوی دیگر این نظام، دارای مبانی، اصول، راهبردها، شاخص‌ها و رویکردهای متعددی در محتوای عدالت، درحوزه‌ها و بخش‌های گوناگون جامعه خواهد بود که ارتباطی نظام‌مند با یکدیگر دارند. هدف از نظام و نظریه‌ی عدالت این است که حقوق انسان‌ها را در عرصه‌های مختلف به درستی به آنها برساند. به سه دلیل حقوق انسان‌ها آن‌گونه که شایسته است به دست آنها نمی‌رسد. نخست کمبود منابع و فرصت‌ها، دوم تعارض منافع افراد و گروه‌ها و سوم زیاده‌خواهی و سیری‌ناپذیری انسان‌ها. مسئله و به تبع آن پرسش این است که از نظر قرآن، مهم‌ترین بخش عدالت یا یک نظام عادلانه، که اصل و جوهری آن به شمار می‌رود و ما را مطمئن می‌کند که با اجرای آن بخش‌های دیگر عدالت نیز اجرا شده‌اند، کدام است؟

وی ادامه داد: به‌دلیل ماهیت زندگی اجتماعی، روابط و منافع افراد و گروه‌ها و طبقات مختلف به هم گره می‌خورد و افراد و گروه‌ها منافع و خواست‌های مشترکی پیدا می‌کنند و به‌طور طبیعی در مقابل آنها افراد و گروه‌های دیگری قرار می‌گیرند که با این‌ها: یا منافع مشترک ندارند، یا رقیب این‌ها هستند، یا در مرحله‌ی سوم و حادث‌تر معارض این‌ها هستند و تعارض و تضاد منافع و خواست‌ها با یکدیگر پیدا می‌کنند. در این میان وظیفه‌ی عدالت، یا در قالب یک نظام عادلانه، و اگر نظام عادلانه وجود ندارد به عنوان وظیفه مدیران و متصدیان عادل، این است که این تضاد و تعارض‌ها را عادلانه مدیریت کنند. از آنجا که مجریان و مدیران خودشان بخشی از جامعه و ذینفع هستند معمولاً تمایل پیدا می‌کنند: ۱. در تقسیم منابع، فرصت‌ها، و امتیازات؛ ۲. در حل، رفع، یا مدیریت تضادها و تعارض‌های منافع؛ ۳. در جریمه و مجازات متخلفان و مجرمان. نخست؛ طرف نزدیکان و هم‌فکران و هم‌پیمانان و دوستان و هواداران و موافقان خود را بگیرند، دوم؛ از مخالفان و معاندان و دشمنان خود کم بگذارند. در اجرای عدالت، قرآن تأکید دارد که مجریان و مدیران مشخصاً در مورد دو گروه فوق عادلانه عمل کنند و جوهری عدالت و مهم‌ترین شاخص عدالت که قرآن ذکر می‌کند عدالت‌ورزی در مورد «نزدیکان و هم‌فکران و هم‌پیمانان و دوستان و هواداران و موافقان» (نساء/۱۳۵) از یک سو، و «مخالفان و معاندان و دشمنان» (مائده/۸) از سوی دیگر است. براساس قاعده‌ی اولویت، اگر یک نظام عادلانه یا حاکمان و مدیران عادل، بتوانند عدالت را در مورد دو گروه فوق اجرا کنند اولاً به طریق اولی عدالت را در مورد سایر بخش‌های جامعه اجرا کرده‌اند یا می‌توانند اجرا کنند، ثانیاً مهم‌ترین و سخت‌ترین بخش عدالت را که دو حوزه‌ی فوق است و اصل و جوهری عدالت به شمار می‌رود، اجرا کرده‌اند؛ در نتیجه مجریان عدالت می‌توانند مطمئن شوند که عدالت را تا حد زیادی محقق کرده‌اند.

پس از استراحتی کوتاه پنل چهارم با موضوع «قرآن و مسئولیت خلاق در ادبیات و هنر» آغاز شد و دکتر هادی رهنما به عنوان مدیر نشست از دکتر زهرا محقیان (عضو هیأت‌علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، دکتر فرهنگ مهرش (عضو هیأت‌علمی دانشگاه آزاد واحد گرگان) و دکتر سیدسجاد طباطبایی نژاد (پژوهشگر سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش) دعوت کردند تا به ایراد سخن پردازند.



دکتر محققان به عنوان اولین سخنران پنل چهارم سخنرانی خود را با عنوان «قربانی، بازتابی نمادین از اهمیت مسئولیت اجتماعی در قرآن کریم» آغاز کرد و گفت: پاره‌ای از مفاهیم اخلاقی، به صورت نمادین در خلال برخی قصه‌های منابع ادیان ابراهیمی تجلی یافته‌اند. از جمله این مفاهیم، اهتمام به امورات اجتماع و جامعه است که تحت عنوان مسئولیت اجتماعی از آن یاد می‌کنند. رازآمیزترین و شگفت‌ترین داستان قرآنی که به صورتی نمادین به اهمیت این مفهوم اخلاقی می‌پردازد؛ داستان ذبح گاو در میان بنی‌اسرائیل است. در این داستان، خداوند در پی کشته شدن فردی بی‌گناه و اضعای حق او، دستور به ذبح گاو را می‌دهد. مقایسه مضامین قرآنی این داستان (بقره/۷۳-۶۷) با نمونه توراتی آن (تثنیه، ۹-۱: ۲۱) حکایت از آن دارد که دستور مذکور، بیش از آن که قربانی آیینی باشد؛ در حقیقت نوعی بلاگردانی است که در سنت‌های باستان (از دوران پیشازرتشت و در آیین میتراپیسم) مرسوم بوده است. به بیانی ساده‌تر، حیوانی بلاگردان قوم می‌شود تا در پرتو آن، گناه این ظلم و شرور اجتماعی بر خاسته از آن از بین روند و برکت به جامعه و مردمانش بازگردد. این امر، هم اهمیت نجات جامعه را گوشزد می‌کند و هم اهتمام به امورات تک‌تک افراد آن را! به همین دلیل الگویی است برای ما که جامعه و مراعات حقوق تک‌تک افراد آن حائز اهمیت است. بدین ترتیب قرآن کریم با به‌کارگیری ارائه‌های ادبی و بازسازی آیین‌های سنتی، روایتی نو و جذاب از مفاهیم اخلاقی را ترسیم می‌کنند و اهمیت مسئولیت اجتماعی را از این طریق افشا می‌سازند. در ادامه، سخنرانی دکتر فرهنگ مهروش با عنوان «بازتاب مسئولیت اجتماعی در حکمت‌های قرآن» آغاز شد. وی تصریح کرد: شکل‌گیری دین اسلام نیز مثل هر جنبش اجتماعی دیگری نیازمند تأکید بر مسئولیت اشخاص نسبت به جامعه خود بود. این‌گونه، از روزهای آغازین دعوت پیامبر اکرم (ص) در مکه و با نزول نخستین آیات، بر جایگاه پیامبر اکرم (ص) همچون یک «مُنذر» تأکید رفت؛ کسی که مسئولیتی در قبال اجتماع خویش دارد و می‌خواهد اعضای جامعه را از خطری نزدیک و هولناک بازدارد و البته تنها وظیفه‌اش در این مقام، رساندن پیام خدا به قوم است. لازم بود که در گفتمان دین جدید مبانی مسئولیت اجتماعی پیامبر اکرم (ص) تبیین، و توضیح داده شود چرا چنین مسئولیتی در قبال اعضاء جامعه متوجه پیامبر (ص) است و مبانی مشروعیت این انذار پیامبرانه چیست؛ هم‌چنان‌که لازم بود استدلالی برای پذیرش دعوت این پیامبر (ص) یا دست‌کم توجه به دعوایش بازنموده شود؛ استدلالی که مخاطبان را متقاعد کند کوشش پیامبر اکرم (ص) رفتاری مسئولانه است و نفع‌طلبانه نیست؛ و متقابلاً آن‌ها خود نیز به دلالتی مشابه، مسئولیتی مشابه دارند. لازم بود چنین استدلالی بر پایه‌ی مباحث عرفی و برون‌دینی مقبول مخاطبان عرضه شود. این مبنای عرفی در قرآن کریم بر حکمت استوار شد؛ مجموعه‌ای از توصیه‌های اخلاقی که آموزش آن‌ها از دیرباز در فرهنگ پیشااسلامی رواج داشت و بازتاباننده شیوه تطبیق عرب‌ها با محیط‌شان بود. لذا می‌توان با تحلیل محتوای حکمت‌های بازمانده از فرهنگ عربی پیش اسلام و حکمت‌های بازتابیده در قرآن، جایگاه حکمت‌ها در فرهنگ پیش از اسلام را بازشناخت و سبب تأکید قرآن بر فراگیری حکمت‌ها، و فراتر از آن، بازکردن وحی الهی شد.

دکتر سیدسجاد طباطبایی نژاد به عنوان آخرین سخنران پنل چهارم با موضوع «شکل‌گیری نگرش نسبت به مسئولیت اجتماعی در قرآن کریم، مبتنی بر الگوی کارکردی در روان‌شناسی اجتماعی» سخنرانی کرد و گفت: شکل‌گیری نگرش یکی از محوری‌ترین موضوعات در علم روان‌شناسی اجتماعی است که با الگوهای گوناگونی در این علم پی‌جویی می‌شود. با بازخوانی آیات قرآن کریم با نگاه روان‌شناسی اجتماعی - در قالب یک مطالعه میان‌رشته‌ای - می‌توان راهبردهای قرآن در ایجاد نگرش‌ها را کشف کرد. نگرش‌هایی که با رویکردی قرآنی و مبتنی بر الگوهای تکوین نگرش افراد در روان‌شناسی، نسبت به موضوعات اساسی شکل می‌گیرد. یکی از مفاهیم اساسی در مطالعات علوم اجتماعی و نیز ادبیات قرآنی که بقای هر جامعه مستلزم آن است، مقوله‌ی مسئولیت اجتماعی است. لذا می‌توان با استفاده از روش توصیفی، تحلیلی، مبتنی بر الگوی کارکردی که یکی از پرکاربردترین الگوهای شناخته شده در روان‌شناسی اجتماعی برای تکوین نگرش‌ها است، شکل‌گیری نگرش نسبت به مسئولیت اجتماعی را از خلال آیات الهی مورد بازخوانی قرار داده و با پابندی به لوازم یک مطالعه میان‌رشته‌ای و نیز معناشناسی برخی واژه‌های مرتبط با موضوع، راهبردهای قرآنی در این راستا را استخراج کرد. براساس این یافته‌ها، قرآن با اجتماعی خواندن و مسئول دانستن نوع انسان در راستای تحقق مسئولیت اجتماعی، راهبردهایی چون «تعاون اجتماعی برای معیشت»، «القای مسئولیت‌پذیری در بستر خانواده»، «القای نگاه خود دگربینی و «انشاء رابطه‌ی اخوت و ولایت میان افراد» را از رهگذر این الگو معرفی می‌کند.

در پایان، جلسه‌ی پرسش و پاسخ برگزار و به سؤالات حضار پاسخ داده شد.

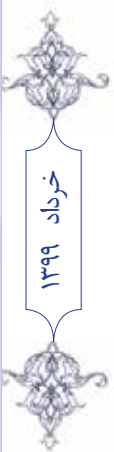


## اولین همایش روش‌شناسی علوم انسانی

اولین همایش روش‌شناسی علوم انسانی؛ چالش‌ها، راهکارها به همت کمیته‌ی روش‌شناسی علوم انسانی شورای بررسی متون پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در تاریخ سوم خردادماه ۱۳۹۹، به شکل مجازی برگزار شد. در این همایش، کلان مسئله‌ی روش‌شناسی از منظر رشته‌های مختلف علوم انسانی توسط صاحب‌نظران این رشته‌ها، مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در آغاز همایش دکتر شمس‌الملوک مصطفوی، رئیس کمیته‌ی روش‌شناسی علوم انسانی شورای بررسی متون، ضمن معرفی این کمیته و اهداف و برنامه‌های آن، طرح و بررسی موضوعاتی مانند چیستی روش و روش‌شناسی، نسبت روش با اندیشه، نیاز به بازاندیشی در روش و ... را به عنوان کلان مسائل روش‌شناسی در ایران و محورهای فعالیت‌های کمیته‌ی روش‌شناسی معرفی کرد. وی ضمن اشاره به وجود تکثر روش در علوم مختلف از سویی و وابستگی رشته‌ها به یکدیگر جهت حل بحران‌های موجود در شرایط فعلی جهانی، بر نیاز به ایجاد شرایطی که با گفت و گو و تعامل، این تنوع و تکثر به جهت گیری واحدی برسد، تأکید و اظهار امیدواری کرد که کمیته‌ی روش‌شناسی علوم انسانی، بتواند چنین بستری را فراهم آورد و در جهت رفع نواقص و کاستی‌های موجود در ارتباط با روش و روش‌شناسی در حوزه‌ی علوم انسانی و با توجه به خودآگاهی فرهنگی-تاریخی گام‌های موثری بردارد. در این همایش تعداد هفت مقاله از ۱۳ مقاله تألیف شده در موضوع چالش‌های روش‌شناسی در رشته‌های فلسفه، حقوق، علوم اجتماعی، تاریخ، اقتصاد و علوم سیاسی توسط استادان برجسته‌ی دانشگاه ارائه شد.

نخستین سخنران همایش، دکتر طالب‌زاده در سخنرانی خود با عنوان «اندیشه و روش»، روش را از منظر مابعدالطبیعی مورد بررسی قرار داد و تلاش کرد به مبانی بحث روش به مثابه اندیشه فلسفی بپردازد. وی در این زمینه گفت: پیش از آن که علوم و فنون به روش‌های مختص به خود بپردازند، روش به منزله‌ی مفهومی بنیادین در قلمرو اندیشه، جایگاهی ممتاز یافت. هر شاخه از علوم و فنون با روش‌های متناسب با حوزه خود سر و کار دارند، اما نخست باید از چیستی روش به معنایی کلی پرسش کرد؟ مواجهه بنیادین با مسئله روش، علوم و به ویژه علوم انسانی روزگار ما را با مسائلی رو به رو می‌کند که شاید نیازمند پژوهش‌هایی تازه باشد. روش، پیش از آن که از نگاه روش‌شناختی (methodologic) بررسی شود باید از منظر وجودشناختی (onthologic) آزموده شود. لازم است علوم از سطح پژوهش‌های خود فراتر روند و یک بار از خود بپرسند به راستی چرا روش، گوهر دانش است؟ چرا گذشتگان، روش را گوهر دانش نمی‌دانستند؟ چه پیش‌آمدی رخ داد که روش مقامی بلامنازع یافت؟ طرح این پرسش‌ها اهمیت روش را از بداهت درمی‌آورد و آن را به مسئله‌ای پیچیده تبدیل می‌کند. طالب‌زاده ادامه داد: روش در تقسیمات دانش، زیرشاخه‌ی منطق است و در بخش منطق کاربردی از آن بحث شده است. منطق، نخستین بار در آثار ارسطو تدوین شد و بخش مستقلی را با عنوان تحلیلات اولی و ثانوی به خود اختصاص داد. اما فلسفه در خاستگاه خود بر شهود عقلی استوار بود. شهود عقلی به منزله‌ی وحدت مقام ثبوت و اثبات راه تماس بی‌واسطه‌ی عقل با حقایق اشیاء را می‌گشود. منطق از یک‌سری جنبه‌ی اثباتی شهود عقلی را سامان می‌بخشید و صور و ترتیب استدلال‌های عقلانی را انتظام می‌داد و از سوی دیگر جنبه‌ی ثبوتی شهود عقلی را تفصیل می‌داد و با یافتن حد وسط، مقدمات برهان را به نتیجه‌ی مطلوب می‌رساند. وجه اثباتی شهود عقلی را که جنبه‌ی صوری دارد. «منطق مفاهمه» می‌خوانیم و جنبه‌ی ثبوتی شهود عقلی را که به یافت حقیقت می‌انجامد، «منطق حقیقت» می‌نامیم.

این دو ساحت در اندیشه‌ی قدما بر هم منطبق بود و فاصله‌ای میان دو وجه ثبوتی و اثباتی شهود عقلی نبود. در عصر جدید شهود عقلی به سستی گرایید و منطق بیشتر به ابزاری برای مفاهمه بدل شد. منطق و استدلال‌های منطقی و شیوه‌ی برهانی، جایگاه خود به منزله‌ی منطق حقیقت را از دست داد و به منطق صورت و بیان منظم حقیقت فرو کاسته شد. همین جا بود که «روش» به عنوان «منطق حقیقت» پا به ساحت اندیشه نهاد و صدارت یافت. «روش»، نه ابزار بلکه نفس حقیقت شمرده شد و با اندیشه‌ی فلسفی پیوندی تنگاتنگ پیدا کرد. سپس دکتر پارسانیا ذیل عنوان «روش‌های علوم اجتماعی و حکمت مدنی» سخنرانی کرد و گفت: از نظر من در مقاطع مختلف تاریخ روش‌های متنوع و متکثری وجود داشته اما در حوزه‌ی علوم اجتماعی و علوم انسانی سه روش وجود



دارد که عناوین آن عبارت است از روش تبیینی، تفسیری و انتقادی. روش تبیینی که از نیمه‌ی دوم قرن ۱۹ تا نیمه دوم قرن ۲۰ ادامه داشت، از نوعی عقبه‌ی متافیزیکی کانتی بهره می‌برد اما از دهه‌ی ۲۰ به بعد، روش‌های تفسیری به موازات و در متن جریان تبیینی شکل گرفت و به نوعی تبیین را به تفسیر تبدیل کرد و روش‌های تفسیری بر روش‌های تبیینی غالب شدند.

وی افزود: روش‌های تفسیری دو رویکرد دارند؛ رویکرد اول عقبه‌ی پدیدارشناختی دارد و رویکرد دوم علم را بر ساخت اجتماعی می‌داند. روش‌های انتقادی هم از دل روش‌های تفسیری بیرون می‌آیند. آموزه‌های فروید و هگل زیرمجموعه‌ی این روش‌های انتقادی قرار می‌گیرند. رئالیسم انتقادی و عقلانیت انتقادی فرانکفورتی از زیرشاخه‌های این روش است. طرفداران این روش از واژگانی چون شئی‌وارگی، سلطه و ... استفاده می‌کنند. در این روش انتقاد از موضع حقیقت نیست بلکه از موضع اراده است.

وی ادامه داد: در جهان اسلام هم روش‌های متکثری وجود داشته که یکی از آن‌ها حکمت عملی است. دانش اجتماعی در بنیادهای نظری جهان اسلام شکل گرفته است و حکمت مدنی هم بر اساس مبانی فلسفی خود بدون تقابل با تبیین و تفسیر است. حکمت مدنی، فقه را به عنوان بخش انتقادی خودش معرفی می‌کند.

دکتر رحیم نوبهار سخنان بعدی بود که با عنوان «دوگانگی نظام حقوقی در جمهوری اسلامی ایران و چالش‌های روش‌شناسی» مشکلات روش در حوزه‌ی حقوق را مورد توجه قرار داد. وی گفت: تفاوت‌های بنیادین میان حقوق سکولار مدرن و نظام‌های حقوقی سنتی از جمله حقوق اسلامی افزون از شمار است. در حقوق اسلامی به خوانش مسلط و کنونی آن، محور تلاش‌ها و استدلال‌ها کشف اراده‌ی مقدس پروردگار یا دستیابی به مُعَدَرِیت و مُنَجَزِیت است. پیش‌فرض انکارناپذیر این رویکرد، پیوند حقوق با امر قدسی، ضرورت تعبد و تسلیم در برابر اراده‌ی مقدس پروردگار و لزوم بذل نهایت جهد و تلاش برای کشف آن است؛ همان چیزی که اصطلاحاً اجتهاد نامیده می‌شود.

از چشم‌اندازی دیگر نمی‌توان دغدغه‌ی نظام اندیشگی اسلامی نسبت به مفاهیمی مانند اخلاق، فضیلت و ارزشها را نادیده گرفت. آموزه‌های اسلامی بی‌آنکه از ارج و منزلت حق و آزادی بکاهند به حق و آزادی نگاهی غایت‌انگار دارند. در نگرش اسلامی، آموزه‌های فقهی و حقوقی بنا به فرض به مفاهیمی همچون عدالت و حق‌های طبیعی که وجهی واقعی و ثبوتی دارند، متناظرند. در این نظام، جوهر استدلال حقوقی تلاش برای کشف همین واقعیت ثبوتی و نفس‌الامری است و روش با همه‌ی اهمیتش تنها در خدمت کشف واقعیتی است به نام اراده‌ی مقدس پروردگار؛ اراده‌ای که در متون مقدس تبلور یافته و در خوانش سنتی، کمتر وجه تاریخی به خود می‌گیرد. به‌رغم تمایز میان حقوق و اخلاق، حقوق به نوعی در ظل و ذیل الهیات و کلام اسلامی قرار می‌گیرد. همچنان که در کلام، محور مباحث، شناخت اوصاف خداوند است در فقه، محور مباحث، کشف اراده‌ی شرعی، جهان‌شمول و فراتاریخی حق تعالی است. هنجارها در نظام حقوقی مدرن اما بیشتر از عقلانیت انسانی و درک انسان همچون مرکز ثقل هستی سرچشمه می‌گیرند. حقوق با آن که از واقعیت‌های اجتماعی و تجربی اثر می‌پذیرد آن اندازه که وجه معرفت‌شناختی دارد جنبه‌ی هستی‌شناسی

فهرست اسامی سخنرانان با حضور روحانیان، با علمای و متخصصان حقوقی و فلسفی

**اولین شب تابش**

**روش‌شناسی علوم انسانی**

**چالش‌ها و راهکارها**

**رئیس جلسه:**  
دکتر شمس الملوک مصطفوی

**سخنرانان:**  
دکتر محسن الویری (تاریخ)  
دکتر حمید بارساتیا (علوم اجتماعی)  
دکتر سیدمحمد رضا حسینی بهشتی (فلسفه)  
دکتر سید صادق حقیقت (علوم سیاسی)  
دکتر حسن دانایی‌فرد (مدیریت)  
دکتر سیدحمیدطالب‌زاده (فلسفه)  
دکتر فرشاد مومنی (اقتصاد)  
دکتر رحیم نوبهار (حقوق)

**دیور علمی همایش:** سیدمحمد رضا حسینی بهشتی  
**دیور اجرایی همایش:** فالق‌اله السادات میرمحمد حسینی قشمی

\* تبیین روش‌شناسی علوم انسانی  
\* بررسی چالش‌های موجود مرتبط با روش‌های رشته‌های مختلف علوم انسانی  
\* ارائه راهکارهای ممکن برای مواجهه اصولی با این چالش‌ها

**زمان: سه‌شنبه ۳ تیرماه ۱۳۹۹ ساعت: ۹ تا ۱۲**

**لینک پیوستن به همایش:** <https://webinar.ihs.ac.ir/b/ihs-hnq-uuc>

ندارد. در حقوق مدرن بیشتر بر روش‌های عینی، واقع‌گرایی، نفی امر قدسی همچون منبع یا مبنای حقوق، وابستگی حقوق به فرایندهای رسمی و تصویب شکلی و در واقع نوعی اثبات‌گرایی تأکید می‌شود. در حقوق عرفی به نظام حقوقی می‌توان و باید نگاه انتقادی داشت. حتی برخی مکتب‌ها و جنبش‌های حقوقی نگاه بدبینانه‌ای به کل نظام حقوقی و متولیان و عناصر دخیل در آن مانند قانونگذاران دارند. در این سنت فکری، اعتبار روش حقوقی بیشتر صرف شکل‌گرایی می‌شود و تأکیدها بر رعایت ضوابط شکلی در فرایندهای شکل‌گیری قانون و تفسیر و اجرای آن است. هرچند در سطح و لایه‌ای دیگر تأکید می‌شود که قانون باید صدای مردم یا مظهر اراده و خواست آنان باشد.

وی گفت: در جامعه‌ی ایرانی حال حاضر به حکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بناست دو نظام و سنت فکری با این همه تمایز و جدایی در کنار هم باشند. وی سپس در مورد این‌که آیا می‌توان ناهمگنی‌های موجود بین دو نظام فکری را در یک نظام حقوقی کارآمد جمع کرد توضیحاتی ارائه داد و گفت: برای حرکت به این سمت و سو باری با استقبال جدی و عملی از تأکید آموزه‌های اسلامی بر عقل و عقلانیت همچون یکی از منابع استنباط احکام شریعت و لحاظ این مبنای پذیرفتنی که در اندیشه‌ی اسلامی نمی‌توان به تجربیات بشری و عقلانی که محصول زندگی بشر است یک‌سر بیتوجه بود راه برای طراحی نظامی از هنجارها که از یک سو با مبانی دینی ناسازوار نباشد و از سوی دیگر با یافته‌های عقلانی در ستیز نباشد فراهم می‌شود. به رغم ثبات احکامی که بر تنظیم رابطه‌ی خداوند با پروردگار مربوط می‌شود تردید نمی‌توان کرد که بخش مهمی از آموزه‌های اجتماعی حقوقی ناظر به امر اجتماعی‌اند یا از اعتبارات ما بعد الاجتماع هستند. بدون توجه به این واقعیت، طراحی نظام حقوقی به لحاظ نظری ضعیف و در عمل، ناکارآمد خواهد بود. به هنجارهایی از این دست نمیتوان با نگاهی صرفاً انتزاعی و بریده از تغییر و تحولات اجتماعی نگاه کرد.

برای حرکت به این سمت و سو رسیدن به دیدگاهی روشن درباره‌ی روش از ابتدایی‌ترین و ضروری‌ترین گام‌هاست. در نظام حقوقی کشور ما که اصولاً نظامی متن‌مدار است رسیدن به دیدگاهی روشن درباره‌ی روش تفسیر متن و نظریه معنا و به‌ویژه تفکیک شیوه‌ی تفسیر متن مقدس از متنی که دستاورد قانون‌گذار بشری و حاصل توافق نمایندگان ملت است، ضروری است.

از نظر وی می‌توان با تفکیک دقیق درون‌مایه و محتوای آنچه بناست شاکله‌ی نظام حقوقی در کشور ما را تشکیل دهد و تکیه بر تفکیک روش استنباط، روش استدلال و تمایز پیش‌فرض‌ها در مباحث اسلامی و عرفی فرضیه‌هایی عمدتاً هم‌سو با کاهش شکاف و ستیز میان بخش‌های اسلامی و بخش‌های عرفی نظام حقوقی ارائه کرد.

دکتر سیدصادق حقیقت در ارتباط با چالش‌های موجود بر سر راه روش در علوم انسانی ذیل عنوان «بحران روش‌شناسی و آشفتگی مفاهیم در علوم سیاسی» به ایراد سخنرانی پرداخت و گفت: روش‌های موجود در علوم سیاسی، زیرمجموعه‌ی روش‌های علوم اجتماعی محسوب می‌شوند. ابهام‌ها و مشکلاتی که در روش‌شناسی علوم اجتماعی وجود دارد، بر علوم سیاسی نیز تأثیر می‌گذارد. علوم سیاسی، به یک واسطه زیرمجموعه‌ی علوم اجتماعی و به دو واسطه زیرمجموعه‌ی علوم انسانی است. پس، می‌توان نتیجه گرفت که تحولات و حتی ابهام‌های فلسفه‌ی علوم (انسانی) و فلسفه‌ی علوم اجتماعی به شکل غیرمستقیم بر فلسفه‌ی علوم سیاسی تأثیر دارد. به‌طور کلی، بحران روش‌شناسی در علوم سیاسی را می‌توان در محورهای زیر متمرکز کرد: ابهام‌های ناشی از فلسفه‌ی علم، ابهام‌های ناشی از روش‌های علوم اجتماعی، مشکلات روش‌شناختی خاص علوم سیاسی، و بالاخره مشکلاتی که به شکل خاص به جامعه‌ی ما مربوط می‌شود. به تعبیر آلن چالمرز، مقوله‌ی کلی به نام «علم» و مفهومی به نام حقیقت یا صدق که علم را کاوشی برای حقیقت توصیف کند، وجود ندارد. از آنجا که تنوع مکاتب فلسفه‌ی علم به حدی است که امکان‌گزینش یک روش و کنار گذاشتن بقیه‌ی روش‌ها را نفی می‌کند، پیشنهاد نگارنده در کتاب روش‌شناسی علوم سیاسی دو راهکار است: کثرت‌گرایی روش‌شناختی و هم‌روی روش‌شناختی.

وی یکی دیگر از علل بحران روش‌شناسی در علوم سیاسی را، آشفتگی مفاهیم در این رشته‌ی علمی دانست و ضمن اشاره به سایر بحران‌ها مهمترین منشأ بحران مفاهیم سیاسی در ایران معاصر را رویارویی سنت و تجدد دانست و به توضیح این مطلب پرداخت.

سخنران بعدی دکتر فرشاد مومنی بود که در ارتباط با مشکلات روش‌شناسی در حوزه‌ی اقتصاد و ذیل عنوان «شش قانون مهم منازعه‌های روش‌شناختی در قلمرو علم اقتصاد» مطالب خود را ارائه کرد. به گفته‌ی وی از جنبه‌ی اقتصادی سال‌های اخیر در زمره‌ی نوادر ایامی محسوب می‌شود که توافقی همگانی درباره‌ی شرایط بحرانی اقتصاد ایران وجود دارد. گرچه درباره‌ی طول و عرض این بحران‌ها و مهمترین منشأها و پیامدهای آن‌ها، همچنان اختلاف نظرهای گسترده و متنوعی قابل مشاهده است. در عین حال، چه در نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی و چه در فرایندهای تخصیص منابع، سرگشتگی و تحیر و گسیختگی‌های جدی قابل مشاهده است.

کمتر کسی درباره‌ی اصل ضرورت انتخاب بنیان‌های کارشناسی این شرایط به‌مثابه نقطه‌ی عزیمت مناسب به





خود تردید راه می‌دهد. گرچه درباره‌ی میزان کفایت این نقطه‌ی عزیمت مناسب، تردیده‌های جدی وجود دارد. چراکه به قاعده‌ی شواهد غیرقابل‌انکار در بخش بزرگی از تجربه‌های مشاهده‌شده، حتی هنگامی که اتفاق نظر نسبی در میان اهل علم در زمینه‌ی تبیین چرایی دشواری‌ها و بحران‌ها و سازوکارهای برون‌رفت از آن‌ها وجود دارد، سایه سنگین منافع گروه‌های پرنفوذ و ذی‌نفع، معمولاً غلبه‌ی جدی بر منطق‌های کارشناسی دارد.

وی افزود: تمرکز مباحث بر جنبه‌ی اول، یعنی وجهی معرفتی ماجرا استوار است و به جنبه‌ی منفعتی بحران‌های موجود در اقتصاد ایران، پرداخته نمی‌شود. مسیر بحث از معرفی شش کانون اصلی منازعه‌های روش‌شناختی در قلمرو دانش اقتصاد می‌گذرد و با معرفی اجمالی هر یک از آن‌ها، توضیح داده می‌شود که تا زمانی که برای هر یک از این منازعه‌ها، پاسخ درخوری فراهم نشده باشد، کسب معرفت علمی و ادراک مطابق با واقع درباره‌ی چالش‌ها و چشم‌اندازهای اقتصاد ایران، با دشواری‌های اساسی روبه‌رو خواهد بود.

در ادامه، با معرفی تعدادی از مهمترین چالش‌ها و نقاط عطف تاریخ اقتصادی ایران در سال‌های اخیر، تلاش کرد تا جلوه‌هایی از چرایی ناتوانی نظام قاعده‌گذاری‌های اساسی، برای برون‌رفت از آن دشواری‌ها از جنبه‌ی اقتصاد سیاسی مورد بررسی قرار دهد. وی در پایان پیشنهادهاتی به عنوان راه‌حل‌های اساسی برون‌رفت از گرفتاری‌های ریشه‌دار و موجود اقتصاد ایران از جنبه معرفتی، ارائه کرد.

دکتر محسن الویری نیز در حوزه‌ی تاریخ و ذیل عنوان «چالش‌های روش‌شناسی دانش تاریخ؛ خاستگاه و چارچوبی برای صورت‌بندی» به روش‌شناسی از منظر تاریخ پرداخت. وی با اشاره به این‌که پرداختن به مباحث روش‌شناختی دانش تاریخ در ایران، عمری کوتاه‌تر از آغاز ترجمه و نگارش درباره‌ی روش‌شناسی عمومی دارد گفت: بی‌مهری و حتی بدبینی به مباحث و مسائل مرتبط با روش‌شناسی در کشور ما، بیش از هر دانش دیگر در دانش تاریخ به چشم می‌خورد. دانش تاریخ، افزون بر همراه داشتن چالش‌ها و ابهام‌ها و چندگانگی دیدگاه‌ها در حوزه‌ی روش‌شناسی عمومی، با چالش‌هایی ویژه درباره‌ی تعریف تاریخ و نظریه‌ی تاریخ و به دنبال آن روش‌شناسی تاریخ روبروست. به باور بیشتر کسانی که در این‌باره قلم زده‌اند، این چالش‌ها ریشه در مؤلفه‌ها و مسائل زیر دارد:

- مفهوم واقعیت تاریخی که پیش‌فرض آن در دسترس نبودن است (به دلیل تعلق داشتن به گذشته)  
- ابزار شناخت در تاریخ که فراوانی آن تابع معکوس فاصله‌ی زمانی رویداد تاریخی با پژوهش تاریخی است (هر چه این فاصله بیشتر باشد ابزارهای شناخت کمتر است)

- گشوده‌شدن گریزناپذیر در به‌روی دسته‌های دانش‌های خواهرخوانده تاریخ همچون کتیبه‌شناسی و سکه‌شناسی و زیان‌شناسی تاریخی برای جبران کمبود منابع

- بهره‌گیری گسترده‌ی مورخان از مفاهیم و نظریه‌ها و حتی روش‌های شاخه‌های مختلف علوم انسانی و علوم اجتماعی مانند جامعه‌شناسی و روان‌شناسی و اقتصاد و ارتباطات و فرهنگ‌شناسی در مراحل مختلف تاریخ‌پژوهی و تاریخ‌نگاری - گسترش یافتن دانش تاریخ و پیدایش شاخه‌های جدید تاریخ‌نگاری همچون تاریخ اجتماعی و تاریخ فرهنگی و تاریخ اقتصادی و جز آن.

- قوت یافتن نسبی یک جریان دین‌گرا و باورمند به مرجعیت مطلق یا نسبی دین در دانش‌های مختلف به ویژه علوم انسانی

وی در ادامه به توضیح دو محور هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی با عنوان خاستگاه‌های دیگری برای چالش‌های روش‌شناختی تاریخ پرداخت.

در پایان دکتر سیدمحمدرضا حسینی‌بهشتی، دبیر علمی همایش، جمع‌بندی مبسوطی از مباحث مطروحه ارائه داد و به دلیل ضیق وقت صرفاً محورهای سخنرانی خود را عنوان کرد که عبارت بودند از: طرح مسئله‌ی روش، بحران روش، آشنایی با واژه‌ی روش، ضرورت طرح مسئله‌ی روش، این‌که ما به روش نیاز داریم تا به دانش‌های یقینی برسیم و از وضعیت اسفناک بیرون بیاییم. تفاوت بین علم و فلسفه و این‌که ما روشی مستقل از خود فلسفه و تفکر فلسفی که مستقل شناخته شود، نداریم؛ بلکه خود فلسفه و رهیافت‌های فلسفی، روش هستند.

در پایان در یک بازه‌ی زمانی حدود یک ساعته، به برخی سؤالات حضار پاسخ داده شد. همایش روش‌شناسی علوم انسانی؛ چالش‌ها و راهکارها با استقبال خوب مخاطبین روبرو شده و پیشنهادات مکرر برای برگزاری همایش‌های مشابه از سوی مخاطبین دریافت شده است.

عنوان سایر مقالاتی که برای این همایش تألیف شده عبارتند از:

دکتر عباس شاکری: «تأملی بر روش‌شناسی در اقتصاد در ایران»

دکتر شمس الملوک مصطفوی: «تأملی روش‌شناسانه بر پدیدارشناسی هنر»

مالک شجاعی جشقانی: «دلالت‌های روش‌شناختی «تجربه‌ی زیسته» در فلسفه‌ی علوم انسانی»

علی اصغر پورعزت: «الزامات طراحی و آزمون روش مدیریت و علوم پیچیده»



## تجلیل از دکتر مهدوی زادگان در سومین آئین بزرگداشت استاد تراز انقلاب اسلامی



در سومین آئین بزرگداشت استاد تراز انقلاب اسلامی با حضور دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام و برخی از مسئولان دانشگاهی از دکتر داود مهدوی زادگان، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تجلیل به عمل آمد.

سومین آئین بزرگداشت استاد تراز انقلاب اسلامی یکم تیرماه ۱۳۹۹، با حضور دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام و برخی از مسئولان دانشگاهی، با تقدیر از استادان منتخب تراز انقلاب اسلامی در سالن استاد مطهری دانشگاه تربیت مدرس برگزار شد و از دکتر داود مهدوی زادگان، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تجلیل به عمل آمد.

در این مراسم، دکتر احمدی، رئیس دانشگاه تربیت مدرس، با ایراد سخنانی گفت: باعث افتخار است که دانشگاه تربیت مدرس میزبان سومین آئین استاد تراز انقلاب اسلامی است و امیدواریم بتوانیم راه استاد بسیجی، شهید چمران را ادامه دهیم.

## نام عضو هیأت علمی پژوهشگاه در جمع برندگان مسابقه‌ی بین‌المللی علم اطلاعات و دانش‌شناسی



برندگان مسابقه‌ی بین‌المللی علم اطلاعات و دانش‌شناسی (کتابداری و اطلاع‌رسانی) سال ۲۰۲۰ اعلام شدند و مقال اول به دو پژوهشگر از ایران رسید. این مقاله با عنوان «رویت‌پذیری علم اطلاعات و دانش‌شناسی و ارتباطات علمی در ایران» توسط دکتر گلنسا گلینی مقدم، عضو هیأت علمی گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی و دکتر زهرا اجاق، عضو هیأت علمی پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و ارتباطات پژوهشگاه علوم انسانی به رشته تحریر درآمده است.

این مسابقه توسط یک گروه وابسته به انجمن اطلاع‌رسانی و فناوری آمریکا به مدت هشت سال متوالی برگزار شده است. تاکنون بیش از ۳۰۰ نویسنده از ۵۱ کشور جهان در این مسابقه شرکت کرده‌اند. هر سال سه مقاله‌ی پژوهشی برتر که یک جنبه یا موضوع خاص در کشورهای در حال توسعه بررسی کرده باشند به عنوان مقالات برتر اعلام می‌شوند. به نویسندگان هر سه مقاله عضویت رایگان انجمن بین‌المللی اطلاع‌رسانی و فناوری اهدا می‌شود. معیارهای ارزیابی براساس نوآوری در پژوهش، نوآوری در طرح مسئله، شیوه‌ی اجرای پژوهش، مبنای نظری، کیفیت پژوهش، شیوه‌ی سازماندهی مقاله و استناددهی آن است.



در گفت‌وگو با دکتر ابراهیمی، مدیریت نوآوری و کاربردی‌سازی پژوهش‌های علوم انسانی:

## به دنبال تقویت ارتباط پژوهشگاه با جامعه هستیم



در سال‌های اخیر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی رویکرد جدیدی نسبت به طرح‌های ذی‌نفع محور در قالب برنامه‌ی راهبردی دوم داشته و تغییر ساختار پژوهشگاه با افزودن معاونت کاربردی‌سازی پژوهش‌های علوم انسانی و فرهنگی و ذیل آن مدیریت نوآوری و کاربردی‌سازی پژوهش‌های علوم انسانی مصداقی از این رویکرد فعالانه است. در این مدیریت، توجه به رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی در پیشبرد اهداف جامعه و صنعت یک ضرورت است. مدیریت نوآوری و کاربردی‌سازی پژوهش‌های علوم انسانی طی سال ۱۳۹۸، توانسته گام بلندی را در راه نیل به اهداف ذکر شده، بردارد. از این‌رو جهت آشنایی و اطلاع از برنامه‌های این مدیریت با دکتر الهام ابراهیمی، مدیر نوآوری و کاربردی‌سازی پژوهش‌های علوم انسانی پژوهشگاه مصاحبه‌ای انجام دادیم که در ادامه از نظر تان می‌گذرد:

### \* نحوه‌ی شکل‌گیری مدیریت نوآوری و کاربردی‌سازی پژوهش‌های علوم انسانی در پژوهشگاه چگونه بوده و مأموریت و اهداف آن چیست؟

رویکرد مدیریت در پژوهشگاه از سال ۱۳۹۳، سوق‌دهی پژوهش‌ها برای حل مشکلات و مسائل جامعه و در نتیجه انجام طرح‌های کاربردی بوده است. در نتیجه این رویکرد بود که پژوهشکده‌ی علوم انسانی و اجتماعی کاربردی در مهرماه ۱۳۹۳ با حضور دکتر صادق آئینه‌وند رئیس سابق پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سیدسپهر قاضی نوری، معاون سیاست‌گذاری و نظارت راهبردی معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، حسینعلی قبادی معاون پژوهشی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و سیدمحمدرضا امیری تهرانی‌زاده مسئول راه‌اندازی و رئیس پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی کاربردی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تأسیس شد. هدف، آن بود که این پژوهشکده به صورت کوتاه‌مدت فعالیت کند تا به صورت نهادینه جای خود را در ساختار پژوهشگاه پیدا کند، لذا پس از اثبات توانایی و ظرفیت پژوهش‌های علوم انسانی برای ورود به عرصه‌های اجتماعی و حل معضلات جامعه به تدریج جای خود را به مدیریتی با عنوان «مدیریت نوآوری و کاربردی‌سازی پژوهش‌های علوم انسانی» ذیل معاونت کاربردی‌سازی علوم انسانی و فرهنگی داد.

مأموریت این مدیریت با توجه به شرایط خاص کشور و مسایل و مشکلات اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی که نیازهای گسترده‌ای برای مشارکت دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های کشور ایجاد کرده، تعریف شده است. بر این اساس طی یک برنامه‌ی جامع، برنامه‌ها و اقدامات مناسبی برای حضور و مشارکت مؤثر و مفید اعضای هیأت علمی پژوهشگاه برای توسعه و بهبود شرایط کشور فراهم آورده است که از جمله آن‌ها می‌توان به انعقاد قراردادهای کارفرمایی و فرصت‌های مطالعاتی در جامعه و صنعت اشاره کرد.

اهداف کلان این مدیریت مستقل به شرح زیر است:

- ۱- استفاده بهینه از امکانات، سرمایه‌های علمی و انسانی و توان تحقیقاتی پژوهشگاه در حل مسائل و رفع نیازهای کشور در حوزه‌ی علوم انسانی، اجتماعی و فرهنگی
- ۲- توانمندسازی مالی متناسب با شأن و جایگاه پژوهشگاه
- ۳- گسترش و حمایت از طرح‌های کاربردی ناظر به حل مسائل و رفع نیازهای کشور در حوزه علوم انسانی و اجتماعی فرهنگی

- ۴- کمک به نهادینه‌سازی و ترویج فرهنگ پژوهش‌های گروهی، کاربردی، مشترک و ذی‌نفع‌محور و تقاضامحور در جامعه
- ۵- تقویت ارتباط پژوهشگاه با جامعه به منظور تبدیل علم به راهکار حل مسائل و رفع نیازهای کشور
- ۶- استفاده از ظرفیت پژوهشگاه برای تبدیل پژوهش‌ها به اسناد سیاست‌گذارانه و ارزیابی و نقد سیاست‌گذاری‌های موجود
- ۷- مشارکت در ترویج علوم انسانی

۸- ارتقای فعالیت‌های پژوهشی پژوهشگاه با انجام پژوهش‌های کاربردی هدف‌مند، مسئله‌محور و مأموریت‌گرا اقدامات انجام شده در جهت کاربردی شدن طرح‌های علوم انسانی در این مدیریت به چه صورت است؟ این مدیریت از طریق اعلان اولویت‌های پژوهشی سازمان‌های ذینفع، فرصت‌های مطالعاتی و یا رایزنی با سازمان‌های ذینفع در مورد طرح‌های پژوهشی انجام شده یا در حال انجام اعضای محترم هیأت علمی، قراردادهایی منعقد می‌کند. شایان ذکر است وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مشوق‌ها و پشتیبان‌هایی در جهت توسعه همکاری دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها با وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی در نظر گرفته که طرح‌های کارفرمایی یکی از ابزارهای مهم در تحقق این برنامه است.

همچنین پژوهشگاه نیز برای سوق‌دهی و تشویق اعضای هیأت علمی برای انجام طرح‌های کارفرمایی، امتیازاتی را برای ایشان در نظر گرفته است، از جمله معرفی پژوهشگر برتر در طرح‌های کاربردی برای اولین بار در هفته‌ی پژوهش سال ۱۳۹۸ بود که از آن استقبال خوبی به عمل آمد. در نظر گرفتن مشوق‌هایی در گرنت و کاهش بالاسری بر اساس شاخص‌های مندرج در آیین‌نامه‌ی کاربردی‌سازی پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی از جمله این مشوق‌هاست.

### \* برنامه‌های پیش روی مدیریت برای گسترش فعالیت‌های علمی-کاربردی چیست؟

با توجه به اهداف اصلی پژوهشگاه مندرج در بند ۳ اساس‌نامه (آموزش، ترویج و کاربردی کردن دستاوردهای پژوهشی در سطوح ملی و فراملی) و وظایف و اختیارات مندرج در بند ۱۴ اساس‌نامه (حمایت از پژوهش‌های مسئله‌محور، کاربردی و راهبردی) و با عنایت به راهبرد سوم و چهارم برنامه راهبردی دوم پژوهشگاه مبنی بر «کاربردی‌سازی هدف‌مند متناسب با هویت و بنیانهای نظری حوزه‌های مختلف پژوهشی» و «توسعه‌ی ارتباط با جامعه و تأثیرگذاری بر سیاست‌ها و برنامه‌های کلان ملی» و همین‌طور با در نظر گرفتن سند الزامات انعقاد قراردادهای تحقیقاتی مؤسسات آموزشی، پژوهشی و فناوری ابلاغ شده از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مورخ ۱۳۹۷/۰۶/۱۷، این مدیریت در نظر دارد زیرساخت‌های مناسبی برای تحقق این اهداف آماده سازد. یکی از این اقدامات برگزاری سلسله نشست‌های فرصت‌ها و چالش‌های ارتباط با جامعه و صنعت است که در اولین نشست آن دکتر محمدسعید سیف، مدیر کل دفتر ارتباط با جامعه و صنعت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ضمن پاسخ‌گویی به سوالات اعضای حاضر در ارتباط با طرح‌های کارفرمایی، راه‌کارهای ارزش‌مندی در حیطه‌های مختلف ارتباط پژوهشگاه با جامعه و صنعت ارائه کرد.

### \* پژوهشگاه با سازمان‌های ذینفع که در بالا به آن اشاره شد، چه تعاملی دارد؟

یکی از اقدامات مهمی که این مدیریت در سال ۱۳۹۸ انجام داد اخذ مجوز برگزاری کانون ارزیابی شایستگی‌های مدیران حرفه‌ای از سازمان اداری و استخدامی کشور بود. این فرایند که به‌تازگی برای تمام دستگاه‌های دولتی لازم الاجرا شده است، از طریق کانون‌هایی که این مجوز را دارا هستند برگزار می‌شود. پژوهشگاه با اخذ این مجوز توانسته هم درآمدزایی برای مجموعه داشته باشد و هم می‌تواند از این طریق رایزنی با سازمان‌های مختلف را تسهیل کند و چه‌بسا با تعاملات صورت گرفته، طرح‌های پژوهشی مشترکی با سازمان‌های هدف داشته باشیم. آیا در برنامه‌ی راهبردی دوم پژوهشگاه، مدیریت نوآوری و کاربردی‌سازی علوم انسانی نقشی دارد؟ بله حتماً. از آنجا که مطابق برنامه راهبردی دوم پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، مأموریت پژوهشگاه در چارچوب برنامه‌های کلان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، اجرای پژوهش‌های کاربردی و توسعه‌ای است، در این برنامه یکی از راهبردها، راهبرد «کاربردی‌سازی هدف‌مند متناسب با هویت و بنیان‌های نظری حوزه‌های مختلف پژوهشی» در نظر گرفته شده که این مهم از طریق متناسب‌کردن کاربردی‌سازی با حوزه‌های پژوهش توسط گروه‌های پژوهشی، ایجاد سازوکار تسهیل و تسریع انجام طرح‌های کارفرمایی و توسعه طرح‌های پژوهشی تقاضامحور برای پاسخگویی به نیازها، حل مسائل و مواجهه با چالش‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و زیست‌محیطی انجام می‌شود.



## مسئله‌یابی و موضوع‌شناسی در تاریخ فرهنگی

نخستین نشست تخصصی «مسئله‌یابی و موضوع‌شناسی در تاریخ فرهنگی» در پژوهشکده‌ی علوم تاریخی با همکاری کارگروه تاریخ فرهنگی انجمن ایرانی با حضور استادان و متخصصان این عرصه برگزار شد. در این نشست که با سخنرانی دکتر داریوش رحمانیان (عضو هیأت‌علمی گروه تاریخ دانشگاه تهران)، دکتر نعمت‌الله فاضلی (عضو هیأت‌علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، دکتر عباس احمدوند (عضو هیأت‌علمی دانشگاه شهید بهشتی) و دکتر محمدمیر احمدزاده (عضو هیأت‌علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) برگزار شد، به بررسی ابعاد و محورهای موضوعی تاریخ فرهنگی پرداخته شد. کلیات بحث استادان در موضوع تاریخ فرهنگی به شرح ذیل است:

تاریخ فرهنگ در ایران در چارچوب دانش تاریخ و جامعه‌شناسی مورد مطالعه و تحقیقات مختلف واقع شده است اما رویکرد فرهنگی به مقوله‌ها و موضوعات تاریخی از پیشینه‌ی چندانی برخوردار نیست. «تاریخ فرهنگی» به مثابه یک رویکرد علمی برآمده از مطالعات میان‌رشته‌ای، از حدود سه دهه‌ی پیش شکل نسبتاً منسجمی پیدا کرده است. این رخداد، حاصل انباشت تجربه‌های مورخان و مواجهه‌ی روش‌ها و نظریه‌های معاصر و تلفیق آن با علوم دیگر به‌ویژه مطالعات فرهنگی، مردم‌شناسی و انسان‌شناسی فرهنگی است. تلفیق شیوه‌های مطالعات تاریخی با سایر علوم به‌ویژه علوم اجتماعی، زمینه‌ای را فراهم کرد تا «تاریخ‌نگاری»، از شیوه‌های سنتی‌اش فاصله گرفته و جای خود را به «پژوهش‌های تاریخی» بدهد. تنوع «موضوع» و «روش» در مطالعات تاریخی، بیش از هرجایی در آثار مهم و اثرگذاری که در نیمه‌ی دوم قرن بیستم نگاشته شد، قابل مشاهده است. از تألیف نخستین آثاری که مشخصاً با عنوان «تاریخ فرهنگی جدید» معرفی شدند کمتر از سه دهه می‌گذرد، این زمان برای رسیدن به چهارچوب‌های دقیق و تعاریف روشن، فرصت کمی است. تاریخ فرهنگی جدید، روش نوینی است که مورخ توجه خود را از «مواضع عینی به بازنمایی‌های فکری» تغییر می‌دهد. در چنین رویکردی، دسته‌ای از منابع و داده‌های جدید - که پیش از این مورخان به آن بی‌اعتنا بودند - مطرح می‌شود که مطالعات مبتنی بر آنها، موجب کشف واقعیت‌های نهفته و تحلیل‌های جدیدی از سنت و گذشته خواهد شد. در واقع موضوع یا سوژه در «تاریخ فرهنگی» همان «بازنمایی‌های فکری» است. هر آنچه که قابلیت دریافت این صفت را داشته باشد، می‌تواند موضوع مطالعات تاریخ فرهنگی قرار گیرد. باید توجه داشت که تاریخ فرهنگی، مطالعه‌ی تاریخ اندیشه یا تاریخ فرهنگ نیست. در واقع تاریخ از پیش‌برنامه‌ریزی نشده در برابر نظریه‌ی تاریخ هدف‌مند قرار می‌گیرد. برخلاف شیوه‌های سنتی در تاریخ‌نگاری که حوادث و رویدادها یا «نقاط عطف» در تاریخ همواره مورد توجه مورخان بوده، این‌جا - در تاریخ فرهنگی - روندهای کلان که در



فرهنگ زیسته متجلی شده، مسئله‌ی مورخ است. همچنین محور بودن فرهنگ عامه در تاریخ‌نگاری فرهنگی و محور بودن جامعه و مردم در تاریخ‌نگاری اجتماعی، وجه تمایز اصلی میان این دو رویکرد به‌ظاهر مشابه در مواجهه با مقولات تاریخی است. «مورخ فرهنگی» برخلاف سایر مورخان - که در جستجوی عینیت تاریخی هستند - در سراسر کارش با «امر نمادین» و «تفسیر امر نمادین» مواجه است. حال آن‌که مورخ اجتماعی، بیش از آن‌که در جستجوی امر نمادین باشد، با عینیت‌ها سر و کار دارد.

از این حیث، پرداختن محض به تاریخ فرهنگی ممکن است به تکه‌تکه‌شدن (fragmentation) و ویژه‌گرایی/ خاص‌نگری افراطی (particularism) بیانجامد که پیتر برک نیز از آن به منزله مهم‌ترین مشکلات پیش روی تاریخ فرهنگی جدید به آنها اشاره کرده است. لذا، توجه به «امر اجتماعی» و مطالعه «جماعت‌های فرهنگی» به جای تمرکز بر مقوله‌های فرهنگی محض می‌تواند خطر ذهنی‌گرایی در تاریخ فرهنگی را تقلیل دهد. اگر دو سنت کلاسیک و نئوکلاسیک، به ترتیب، مهمترین مسئله‌ی نظریه‌ی فرهنگ را شکاف عین/ ذهن و شکاف جزء/کل می‌دانند و سعی در تبیین نظری آن دارند، سنت ساختار-پساختارگرا، «ارتباط» را مهم‌ترین مسئله‌ی نظریه فرهنگ می‌داند. بنا به این سنت که ریشه در اندیشه‌های متفکرانی همچون سوسور، فوکو، مری داگلاس و.... دارد، وظیفه‌ی تحلیل فرهنگی چیزی جز «کشف الگوهای نظام‌مند در درون رمزگان فرهنگی و نشان دادن نقش این الگوها در تعیین حدود تفکر و اندیشه و خودفهمی ما نیست. ورود اندیشه‌های حاصل از سنت ساختار-پساختارگرا به حوزه‌ی مطالعات تاریخ و ایجاد یک «چرخش فرهنگی» در حوزه‌ی مطالعات تاریخی زمینه‌ساز شکل‌گیری نوعی از پژوهش در حوزه‌ی مطالعات تاریخی شده است که امروزه با نام «تاریخ‌نگاری فرهنگی شناخته می‌شود. اگر تاکنون در دانش متداول و معمول «تاریخ فرهنگ» با ما از تاریخ خطی و مستمر محقق شده فرهنگ یک پدیده و تحولات احتمالی به‌وجود آمده‌ی در آن سخن گفته شده است، هدف دانش «تاریخ‌نگاری فرهنگی» آن است که به ما نشان دهد در مجموعه مفاهیم، نشانه‌ها، ایده‌ها و نمادهای همبسته با هر یک از قلمروهای زندگی اجتماعی ما، چگونه جهانی امکان خلق‌شدن و تحقق‌یافتن داشته و کنش‌گران اجتماعی آن قلمرو احتمالاً جهان را چگونه فهم کرده و دامنه و مرزهای آن را تا کجا می‌دانسته‌اند.



## کرونا، سبک زندگی و زنانگی

گروه پژوهشی مطالعات زنان پژوهشکده‌ی مطالعات اجتماعی نشست تخصصی مجازی (آنلاین) با عنوان «کرونا، سبک زندگی و زنانگی» ۱۳ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹ با حضور دکتر سمیه تاجیک اسماعیلی (عضو هیأت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی)، دکتر سروناز تربتی (عضو هیأت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی) برگزار کرد.

در ابتدای نشست دکتر سمیه تاجیک اسماعیلی بحث خود را با موضوع قرنطینه‌ی خانگی آغاز کرد و گفت: قرنطینه‌ی خانگی هم مانند بسیاری از پدیده‌های دیگر، هم دارای جنبه‌های مثبت است و هم جنبه‌های منفی. زنان از نظر انجام کار فیزیکی، در منزل، استرس، فشار و نگرانی بابت سلامتی و بهزیستی عزیزانشان در درجه‌ی اول، و سلامتی خودشان در درجه‌ی دوم، در تنگنا بوده‌اند. مسئولیت‌ها و وظایف آنان چندین برابر شده و زنان از نظر فیزیکی خسته‌تر از روزهای عادی بوده‌اند، اما از نظر روحی- روانی، واکنش‌ها و تبعات متفاوتی در زنان وجود داشته و جنبه‌های مثبت و منفی گوناگونی از سوی آنان ابراز شده است.

دکتر تاجیک اسماعیلی افزود: به نظر می‌رسد شیوع ویروس کرونا و به تبع آن قرنطینه‌ی خانگی، امکان بازگشت به خود را برای آنها فراهم کرده و برای مدتی هر چند کوتاه، آنان را از شتاب روزمرگی و سرعت بالای زندگی پرسرعت کنونی دور ساخته است. آنان به اجبار هم که شده برای مدتی دست از خرید کالاهای تجملاتی و غیر ضروری کشیده‌اند. آنان زمان بیشتری را با اعضای خانواده خود سپری کرده‌اند و رفتن به پارک، رستوران، مجتمع‌های تجاری و تفریحی و ... برای مدتی به تعویق افتاده و آنان فرصت تأمل، تعمق و تفکر در وجود خود و ارزش‌های حقیقی زندگی، که همانا همسر و فرزندان‌شان هستند را یافته‌اند. زنان در کنار اعضای خانواده خود به تماشای فیلم‌ها و سریال‌ها نشسته‌اند، در آشپزخانه ساعت‌ها آشپزی، شیرینی‌پزی و کیک‌پزی کرده‌اند، نان پخته‌اند، با ادویه‌ها به غذاهای جدید رنگ و بو داده‌اند، بازی‌های جمعی کرده‌اند، بدون هراس از زمان، روزمرگی و شتاب برای کارهای تمام نشدنی، ساعت‌ها دورهم گفت‌وگو کرده‌اند، و به نظر می‌رسد، برای این تجربه متفاوت، متمایز، جالب توجه و فراموش نشدنی، خلاء نظریه‌پردازی وجود دارد.

در ادامه‌ی نشست، دکتر سروناز تربتی به بحث درباره‌ی «واسازی اخلاق مهمان‌نوازی در قرنطینه» به عنوان امر زنانه پرداخت و اذعان کرد: در ادبیات آگزیستانسیالیستی لویناس مفاهیمی چون خوشامدگویی، صمیمیت و مهمان‌نوازی به مثابه‌ی امر زنانه تلقی می‌شود. امر زنانه را الزاماً به معنای زن بودن نباید در نظر گرفت بلکه امر زنانه، دیگری نامتناهی است که شرط و زمینه‌ی اخلاق محسوب می‌شود. اخلاق نیز در این ادبیات در معنای *ethos*، به سبک زندگی و فرهنگی باز تعریف می‌شود، اما یک سبک آگزیستانسی. لویناس بنیان اخلاق را در مسئولیت در قبال دیگری می‌داند. این مسئولیت حتی شامل افرادی می‌شود که «من» آنها را نمی‌شناسد و در واقع رابطه‌ی من با دیگری را با این میل متافیزیکی می‌داند، اگرچه این میل متافیزیکی در زن بودن بیشتر گشوده می‌شود و حساسیت اخلاقی در زنان بیشتر است.

دکتر تربتی همچنین به امر تغذیه نیز تأکید دارد و جهان را در نسبت با آن تعریف می‌کند. او در این رابطه گفت: در این جا بحث خانه نیز پدید می‌آید و او از صمیمیت خانه سخن به میان می‌آورد؛ قلمرویی که دیگری مورد خوشامد قرار می‌گیرد که بلا تبع مفهوم بخشش به آن پیوند می‌خورد. امر مادری در زن به بخشش همچون امری نامشروط نمایان است. بدین ترتیب امکان در خانه بودن، توسط زن/مادر گشوده می‌شود و بنیاد اخلاقی در همین پذیرایی و در خانه بودن قرار می‌گیرد. بدین ترتیب مهم‌ترین نهاد از منظر لویناس خانواده محسوب می‌شود. از سوی دیگر، دریدا در واسازی مفهوم مهمان‌نوازی، آن را در مقابل مهمان‌نوازی قرار می‌دهد تا معنای آن چه را که در طول تاریخ از مهمان‌نوازی و پذیرایی شکل گرفته بود، در تعلیق و تعویق قرار دهد. وی در پایان به این پرسش پرداخت که در شرایط قرنطینه و خانه‌نشینی که با تعلیق درآمدن معنای مهمان‌نوازی همراه شده است، امر زنانه از این حیث چگونه بازتعریف و تفسیر می‌شود.



## بازتاب کرونا در نغمه‌ها و ترانه‌های آسیا

نشست مجازی «بازتاب کرونا در نغمه‌ها و ترانه‌های آسیا»، روز سه شنبه ۲۷ خردادماه ۱۳۹۹ به اهتمام مرکز اسناد فرهنگی آسیای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در محیط وینار برگزار شد. در این نشست ۲۷ میهمان از کشورهای ایران، تاجیکستان و سوئد برخط بودند و حضور فعال داشتند.

در ابتدا دبیر علمی نشست، دکتر محمد نجاری، با قرائت شعر، معرفی سخنرانان و ارائه‌ی بحثی مقدماتی درباره‌ی بازتاب شیوع بیماری کرونا در هنر، جلسه را آغاز کرد و ادامه‌ی گفت‌وگو را به سخنرانان نشست واگذار کرد. نخستین سخنران، دکتر ابراهیم خدایار، دانشیار دانشگاه تربیت مدرس و رایزن فرهنگی پیشین ایران در ازبکستان و تاجیکستان، سخنرانی خود را با عنوان «تحلیل و صورت بندی فضای فرهنگی ازبکستان در مواجهه با ویروس کرونا» ارائه دادند. به بیان کوتاه، جمهوری ازبکستان، پرجمعیت‌ترین جمهوری آسیای مرکزی، نقش مهمی در شکل دهی به جریان‌های فرهنگی کشورهای این منطقه دارد. این کشور صدها میراث معنوی باشکوه نیز از دانشی مردان شهرهای باستانی آریایی تبار، از جمله سمرقند و بخارا، خوارزم و ترمذ، و تاشکند و فرغانه در سینه‌ی خود به یادگار دارد. ابراهیم خدایار با تکیه بر متن ترانه «ما را ببخشا یگانه‌ام» با اجرای آزادبیک نظربیک اف، وزیر فرهنگ ازبکستان، فضای فرهنگی ازبکستان را در مواجهه با ویروس کرونا تحلیل و صورت‌بندی کرد و تلاش کرد مخاطب را در بستر چهارچوب اندیشگی اهل فرهنگ ازبکستان با مفاهیم الهیاتی حاکم بر زندگی عامه‌ی مردم در دوره‌ی جدید آشنا کند.

در ادامه‌ی نشست، دکتر مریم‌سادات فیاضی، عضو هیأت علمی دانشگاه گیلان، سخنرانی خود را با عنوان «تحلیل تطبیقی ترانه‌های ایران و افغانستان در دوره‌ی کرونا» ارائه دادند. به بیان کوتاه، باور به نقش انکارناپذیر موسیقی در کاهش استرس از یک سو و پذیرفتن آن به عنوان ابزاری کم‌هزینه و کارآمد در آموزش، بستر مناسبی برای خلق آثار هنری موسیقایی در دوره‌ی همه‌گیری ویروس کرونا کوید-۱۹ فراهم آورده است. فصل مشترک این آثار، وجوه هنری و زیبایی شناختی آن‌ها و وجه ممیزشان- صرف نظر از سبک و سازبندی- محتوا و پیامی است که خالقان‌شان برآند تا به شنوندگان خود منتقل کنند و شامل گستره کران‌گشاده‌ای از موضوعات اجتماعی و سوگیری‌های سیاسی تا مسائل آموزشی و انسانی است. مریم‌سادات فیاضی، تلاش کرد این بحث را تبیین کند که با تحلیل تطبیقی دو قطعه‌ی موسیقایی ایرانی و افغانی و بازشناختن مؤلفه‌های زبان‌شناختی این آثار، می‌توان در قالب یک برنامه‌ریزی زبانی، در بحران کرونا مداخله‌های غیرتهاجمی اتخاذ کرد. به این منظور، ترانه «در خانه بمانیم» با اجرای فرهاد دریا، خواننده‌ی محبوب افغانستان با آهنگ «یه چیزی میشه دیگه» با اجرای خواننده‌ی ایرانی، رضا صادقی مقایسه و تحلیل شد.

مرکز اسناد فرهنگی آسیا  
asia cultural  
documentation center  
for uva-iro-lehran

مرکز اسناد فرهنگی آسیا برگزار می‌کند

نشست مجازی

# بازتاب کرونا در نغمه‌ها و ترانه‌های آسیا

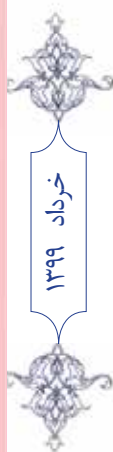
تحلیل و صورت‌بندی فضای فرهنگی ازبکستان  
در مواجهه با ویروس کرونا  
دکتر ابراهیم خدایار

تحلیل زبان شناختی نغمه‌های ایران  
و افغانستان در دوره کرونا  
دکتر مریم سادات فیاضی

دبیر علمی نشست  
دکتر محمد نجاری

سه شنبه ۲۷ خردادماه ۱۳۹۹ ساعت ۱۰ تا ۱۲

لینک پویشن به نشست:  
<https://webinar.iics.ac.ir/b/ihc-4g4-udn>





## «انسان در نقاشی عصر صفوی» بزرگداشت پرفسور مائیس نظری

دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با همکاری مدرسه‌ی عالی اقتصاد روسیه و بنیاد ابن‌سینا - مسکو و انجمن ایرانی زبان روسی به مناسبت بزرگداشت پرفسور مائیس نظری، سخنرانی مجازی با عنوان جایگاه انسان در نقاشی عصر صفوی برگزار کرد. این سخنرانی که هم‌زمان به زبان روسی نیز ترجمه می‌شد، در محیط Adobe connect و zoom با حضور ۸۰ نفر از علاقه‌مندان به این حوزه‌ی مطالعاتی برگزار شد.



در ابتدای جلسه دکتر شکوه السادات حسینی (به نمایندگی از پژوهشگاه علوم انسانی) ضمن خوش‌آمدگویی به حاضران در وینار درباره‌ی سابقه‌ی همکاری‌های پژوهشگاه علوم انسانی با بنیاد ابن‌سینا و دانشگاه روسیه مطالبی ارائه کرد. در ادامه دکتر هادوی (به نمایندگی از بنیاد ابن‌سینا - مسکو) شمه‌ای از شخصیت پرفسور مائیس نظری و فعالیت ایشان در زمینه هنر اسلامی بیان کرد و دکتر نیکی تنکو (به نمایندگی از مدرسه‌ی عالی اقتصاد مسکو) مقدماتی درباره‌ی برگزاری این جلسه بیان کرد و ترجمه هم‌زمان به زبان روسی را بر عهده گرفت.

سخنران این بزرگداشت، جناب دکتر حنیف رحیمی، عضو هیأت‌علمی دانشکده‌ی هنر دانشگاه یزد، دارای دکترای تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی و متخصص تاریخ‌نگاری هنر نقاشی ایران بود. چکیده این سخنرانی در ادامه آورده شده است:

تمایز آشکاری در خصوص رابطه‌ی انسان و طبیعت میان نقاشی شرق (چین) و نقاشی اروپا وجود دارد. انسان نقاشی شرقی، مستحیل در طبیعت است و انسان اروپایی محور همه چیز و مسلط بر طبیعت. این رابطه اما در نقاشی ایرانی به تعادل و تعامل میرسد و نقطه اوج این تعادل و تعامل انسان با طبیعت در بین مکاتب نگارگری ایران، در مکتب نگارگری صفوی ظهور و نمود پیدا میکند.

اما نمود خود این انسان در سراسر مکتب صفوی یکسان نبوده و از تجسم انسانی نیمه‌ی خدا و مقدس تا انسانی زمینی و با نام و نشان و در نهایت انسان‌هایی گم‌نام و بی‌نام و نشان را در برمی‌گیرد. و این همه بازتاب تحولات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه‌ای است که شرایط مادی زندگی هنرمند را شکل داده و از این طریق راه به آثار نگارگری پیدا کرده‌اند.

دوره‌ی پرفراز و نشیب حکومت صفوی (۱۵۰۱-۱۷۲۲ م) ده پادشاه و سه پایتخت به خود دید. مؤسس سلسله یعنی شاه اسماعیل به سرعت به شخصیتی مقدس و پیچیده و اسطوره‌ای برای اطرافیان خود (قزلباش‌ها) تبدیل شد که با پادشاهان اسطوره‌ای چون کیومرث (پیش‌نمونه‌ی انسان ایرانی) و اسکندر مقایسه می‌شد. به دنبال وی، پسر و جانشینش، شاه طهماسب نیز دست کمی از وی نداشت و با زهد و ورع خود و توبه‌های مکرر به پادشاهی ایده‌آل مبدل شد تا آنجا که وی را با خسرو انوشیروان پادشاه مشهور و عادل و بهرام گور در دوره ساسانیان قیاس می‌کردند. به دنبال یک سری کشمکش‌ها و تضادهای داخلی بر سر جانشینی و افعال ناشایست و قبیحی که از پادشاهانی چون شاه اسماعیل دوم سر زد، این قدسیت از بین رفت و شاهان بسان انسان و نه مقدس و نه نیم خدا، انگاشته شدند و کمتر با نمونه‌های پیشینی تطبیق داده شدند. این موضوع در خصوص شاه‌عباس کبیر که خود را درگیر توسعه‌ی تجارت، اقتصاد و شهرسازی کرد و مدام در انتظار مردم ظاهر می‌شد، ملموس تر شد. با تحولات اقتصادی گسترده در زمان شاه‌عباس کبیر، ساختار جدید شهری، رشد طبقه‌ی متوسط (یا اگر بتوان گفت طبقه‌ی بورژوا)، بین‌المللی شدن شهر اصفهان و رفت‌وآمد اروپائیان اعم از سیاسیون و تجار و ورود کالاها و ابزار جدید، تساهل مذهبی و ترکیب جمعیتی متکثر شهر اصفهان، شرایط مادی جدیدی به وجود آمد که نقاش را ناگزیر از تغییر کرد. شیوه‌ی جدید نقاشی (موسوم به فرنگی‌سازی) مورد پسند دربار شد و نگارگر خودخواسته از دربار فاصله گرفت و به بطن جامعه و طبقه‌ی متوسط رو آورد. این چنین و در میانه‌ی این شرایط است که رضا عباسی و انسانهای تک پیکره‌اش، به وجود آمدند و شیوه‌ی وی صرفاً توسط یک نسل از شاگردانش ادامه پیدا کرد. از آن پس نگارگری رو به خاموشی گرایید و جریان فرنگی‌سازی تا رسیدن به دربار قاجارها و سبک پیکره‌نگاری درباری تداوم پیدا کرد.

این نشست با پرسش و پاسخ شرکت‌کنندگان و برگزاری بزرگداشت پروفیسور مائیس نظری و پخش کلیپی از آثار و تألیفات او ادامه یافت.

پروفیسور مائیس نظری جانگیراوغلو دارای مدرک دکترای نقد هنر، پژوهشگر ارشد پژوهشگاه فرهنگ‌های شرقی، دانشگاه دولتی علوم انسانی روسیه و متخصص مینیاتور عصر صفوی بود که بیش از سی اثر از خود به جای گذاشته است. از جمله مقالات او می‌توان به «مسئله‌ی تفسیر روش خلاق نقاشان صفوی»، «مسئله‌ی بازسازی مجتمع چهل ستون اصفهان»، «زمینه‌ی تاریخی تصویرسازی ادبی»، «مشکلات تفسیر آثار فرهنگی شرق»، «کیهان‌شناسی و آفرینش در نقاشی صفوی قرن شانزدهم»، «سعادت نامرئی: مینیاتور و روان‌درمانی مسلمان»، «روح سلطنتی در نقاشی صفوی»، «زیبایی‌شناسی هستی و زیبایی‌شناسی متن در فرهنگ‌های خاورمیانه»، «عصمت؛ صفویان در مینیاتور تبریز قرن شانزدهم» و «هدف کاربردی کتاب مینیاتور دربار تبریز در قرن شانزدهم» اشاره کرد. کتاب جهان دوگانه مینیاتور ایرانی: تفسیر کاربردی نقاشی دوره‌ی صفویه، به ترجمه‌ی عباس‌علی عزتی حاصل پژوهش‌های عمیق این نویسنده در هنر ایرانی است که انتشارات فرهنگستان هنر آن را در سال ۱۳۹۱ منتشر کرده است.



إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

سرکار خانم دکتر ترکمنی آذر

مصیبت درگذشت مادر گرامی تان را تسلیت عرض می‌کنیم و از خداوند سبحان برای آن مرحومه علو درجات و برای سرکارعالی و خانواده‌ی محترم، صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت داریم.  
\*\*\*\*\*

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

جناب آقای سیدنظر میل میرآبیانی  
همکار محترم اداره‌ی خدمات

مصیبت درگذشت مادر گرامی تان را تسلیت عرض می‌کنیم و از خداوند سبحان برای آن مرحومه علو درجات و برای جناب‌عالی و خانواده‌ی محترم، صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت داریم.  
\*\*\*\*\*

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

جناب آقای محمدعلی معتضدیان

مصیبت درگذشت مادر گرامی تان را تسلیت عرض می‌کنیم و از خداوند سبحان برای آن مرحومه علو درجات و برای جناب‌عالی و خانواده‌ی محترم، صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت داریم.  
\*\*\*\*\*

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

جناب آقای دکتر فرج‌اله علی‌قنبری

مصیبت درگذشت همسر گرامی تان را تسلیت عرض می‌کنیم و از خداوند سبحان برای آن مرحومه علو درجات و برای جناب‌عالی و خانواده‌ی محترم، صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت داریم.  
\*\*\*\*\*

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

جناب آقای علیرضا بویاقچی

مصیبت درگذشت پدر گرامی تان را تسلیت عرض می‌کنیم و از خداوند سبحان برای آن مرحوم علو درجات و برای جناب‌عالی و خانواده‌ی محترم، صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت داریم.

روابط عمومی



**محورهای اصلی:**

۱. زندگی و اندیشه های شمس تبریزی از منظر پژوهش های تاریخی، عرفانی و معرفتی
- ۲- زندگی و اندیشه های شمس تبریزی از منظر پژوهش های بین رشته ای

**موضوعات پیشنهادی:**

۱. نسخه پژوهی مقالات شمس
۲. زندگی، زمانه و آرامگاه شمس تبریزی
۳. رویکردهای عرفانی و معرفتی در مقالات شمس
۴. بررسی تطبیقی اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران و آناتولی در قرن هفتم با تاکید بر چگونگی شکل گیری اندیشه های عرفانی
۵. شمس تبریزی و دیدگاه های اصلاح گرایانه در عرصه تفکرات دینی، فرهنگی و اجتماعی
۶. شمس تبریزی و نیازهای انسان امروز
۷. آموزه ها و ارتباط شمس و مولانا از منظر پژوهش های بین رشته ای
۸. ظرفیت مکتب شمس تبریزی و مولانا در گسترش فرهنگ صلح، تعامل و مدارا در جهان معاصر
۹. کارنامه و آسیب شناسی شمس پژوهی در ایران و جهان
۱۰. نقد و بررسی اندیشه های شمس تبریزی
۱۱. تجلی قرآن و دین در مقالات شمس
۱۲. شمس از منظر موالفان و مخالفانش
۱۳. جهان بینی و ایدئولوژی شمس
۱۴. تاثیر و تأثیر شمس بر عارفان پسین و پیشین
۱۵. سیمای شمس در آثار و کتابهای تاریخی

**2020 KHOY- IRAN**

**The 6th International Scientific Conference of Shams and Movlana**

**ششمین همایش علمی بین المللی شمس و مولانا**

Conference Venue: City Hall, Khoy, West Azarbijan, IRAN.  
Date: 28-29 September 2020

زمان: هفتم و هشتم مهرماه ۱۳۹۹ // ایران، آذربایجان غربی، خوی  
علاقه مندان جهت کسب اطلاعات بیشتر می توانند به سایت [www.conf-shams.ir](http://www.conf-shams.ir) مراجعه نمایند.

**مدیر مسئول:** سیدمحسن علوی پور

**سردبیر:** حوریه احدی

**دبیر تحریریه:** شهرام اصغری

**هیأت تحریریه:** محسن باباخانی، مجید زارع، سعیده زندی و صادق کیا

[ravabet1@ihcs.ac.ir](mailto:ravabet1@ihcs.ac.ir)

[www.ihcs.ac.ir](http://www.ihcs.ac.ir)

**پیام رسان ها:** @pajoheshgah, @ihcss